



پایان نامه کارهء دانشگاه باقر العلوم ارشد رشته تاریخ

عنوان:

# حیات فکری و اجتماعی مانویان در دوره اسلامی (تا قرن سوم هجری)

استاد راهنما:

دکتر حسین مفتخری

استادان مشاور:

دکتر حسین فلاح زاده

حجة الاسلام دکتر محمد مهدی گرجیان

نگارنده:

راحله ضائفی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقديم به:

ساحت مقدس رسول هدايت

و عصارة رسالت،

که نعمت نزول

بهترين دين

بر دامان آسمانی او باريد

تقدیر و تشکر

من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق

بدون شک، پژوهش حاضر، مرهون راهنمایی‌ها و زحمات استادگرانقدر دکتر حسین مفتخری بوده که با متانت و سعه صدر، تلاش‌های ناموفق نگارنده را به انجامی سبز بدل ساختند. لذا مراتب امتنان و سپاس خاص خود را از ایشان اعلام می‌دارم. و دیگر از آقایان دکتر حسین فلاح زاده و حجه الاسلام و المسلمین دکتر گرجیان که مشاوره با ایشان ثمر بخش این تحقیق بود، تشکر و قدردانی می‌نمایم. هم چنین بر خود لازم می‌دانم از حضور سایر اساتید بزرگوار و ارجمندی که در طول سالهای تحصیل از محضر عالمانه ایشان کسب فیض نموده‌ام، سپاسگذاری نمایم. ضمن آنکه در تمام مراحل زندگی، وامدار زحمات و محبت‌های اعضای خانواده خویش بوده و هستم.

وجود ایشان در پرتو انوار رحمت الهی همیشه پاینده باد

## چکیده:

مانی، پیامبر باستانی ایران، در ابتدای تشکیل حکومت ساسانی ظهور کرد. وی با آمیختن ادیان مختلفی چون مسیحیت، یهودی، بودایی و هندو، توانست به آسانی با فرهنگ و آداب و رسوم مردم هر منطقه نزدیکی یافته و پیروان فراوانی بیابد. اما در مقابله با موبدان زرتشتی شکست خورد و سرانجام با سعایت آنان کشته شد مانویت نیز در انزوا فرو رفت. اما فتوح اعراب و ورود اسلام به ایران، مرحله جدیدی برای فعالیت تازه مانویان فراهم آورد. بنابراین این سؤال مطرح می‌شود که مانویان در دوره حاکمیت اسلامی (دو قرن اول هجری) برای حفظ موجودیت خود، چه راهکارهای فکری - سیاسی اتخاذ نمود؟

با توجه به شرایط جدیدی که با سقوط پادشاهی ساسانی به وجود آمد و هم چنین برخورد تفکرات مانوی و اسلامی این فرضیه محتمل است که: مانویان در دو قرن اول هجری، برای حفظ موجودیت خود، در شرایط بوجود آمده، به راهکارهایی از جمله: نزدیک شدن به قدرت سیاسی، مهاجرت، انزوا، مخفی کاری، رواج پنهانی افکار و عقاید مانوی و سرانجام نفوذ در آراء اسلامی و تأثیر در تشکیل فرقه‌های جدید اقدام نمودند.

در جهت آزمون فرضیه فوق نیز، سعی گردیده که کلیاتی از شرایط و زمینه‌های سیاسی - فرهنگی حکومت اسلامی در دو قرن اول هجری تبیین شود و سپس دو مقوله حیات فکری و تلاش برای تداوم حیات سیاسی مانویان مورد بررسی قرار گیرد. هم چنین تأثیر فعالیت‌های پیروان مانی در آراء و افکار اسلامی شناخته شود. راههایی که مانویان از طریق آن توانستند در تشکیل فرقه‌ای چون متصوفه و معتزله نقش داشته باشند، از دو بخش سیاسی و فکری نشأت گرفت و موفق شد تا قرن‌های متمادی بقای این آیین کهن را تضمین نماید.

## کلید واژه‌ها:

ساسانیان ، مانی ، مانویت، اسلام، زندقه ، معتزله، گنوسیسم

## فهرست مطالب

4	<u>مقدمه: طرح تحقیق</u>
	<u>طرح موضوع: 5</u>
5	<u>پیشینه تحقیق:</u>
	<u>سؤال اصلی: 6</u>
	<u>فرضیه: 6</u>
6	<u>مفاهیم تحقیق:</u>
	<u>راهکار: 6</u>
	<u>موجودیت: 6</u>
	<u>متغیر: 7</u>
7	<u>سؤالات فرعی پژوهش:</u>
7	<u>پیش فرضهای پژوهش:</u>
	<u>سازماندهی پژوهشی: 7</u>
	<u>نقد منابع: 9</u>
	<u>تاریخ یعقوبی: 9</u>
9	<u>تاریخ الرسل و الملوک</u>
10	<u>الکامل فی التاریخ</u>
10	<u>الملل و النحل:</u>
	<u>الفهرست: 11</u>

چارچوب نظری 12

بخش مقدماتی: کلیات 21

فصل اول: مانی و مانویت در دوره ساسانی 22

«اوضاع سیاسی - مذهبی ایران در روزگار ساسانیان» 23

قدرت گیری موبدان 25

اوضاع مذهبی: 28

«ظهور مانی» 31

«آیین مانی» 36

آیین گنوسی: 36

پیروان مانی: 42

فصل دوم: چشم اندازی بر اوضاع سیاسی — مذهبی خلافت اسلامی در دو قرن اول

هجری. Error! Bookmark not defined.

آغاز فتوح. Error! Bookmark not defined.

عصر بنی امیه: Error! Bookmark not defined.

موالی: Error! Bookmark not defined.

دوران بنی عباس: Error! Bookmark not defined.

بخش اول: حیات فکری مانویان در دو قرن اول هجری Error! Bookmark not

defined.

فصل اول: حضور مسلمانان، بقای مانویان Error! Bookmark not defined.

**Error! Bookmark not defined.** اندیشمندان مانوی:

**Error! Bookmark not defined.** - عبدالحمید:

**Error! Bookmark not defined.** - ابن مقفع:

**Error! Bookmark not defined.** - بشّار بن برد:

**Error! Bookmark not defined.** - ابن ابی العوجاء:

**Error! Bookmark not defined.** - صالح بن عبدالقدّوس؛

**Error! Bookmark not defined.** فصل دوم: رویارویی مانویت و اسلام

**Error! Bookmark not defined.** - نفوذ مانویت در تفکرات اسلامی:

**Error! Bookmark not defined.** - مانویان در مناظره با امامان شیعه

**Error! Bookmark not defined.** - مانویّت و معتزله؛

**Error! Bookmark not defined.** ریشه های فکری معتزله:

**Error! Bookmark not defined.** - مانویّت و تصوّف:

**Error!** بخش دوم: حیات اجتماعی مانویان در دو قرن اول هجری

**Bookmark not defined.**

**Error! Bookmark not defined.** فصل اول: تداوم حیات مانویان

**Error! Bookmark not defined.** زندیق و زنادقه:

**Error! Bookmark not defined.** فصل دوم: انطباق پذیری اجتماعی مانویان

**Error! Bookmark not defined.** مانویان: خروج از انزوا

**Error! Bookmark not defined.** نقش رهبری در سازماندهی مانویان:

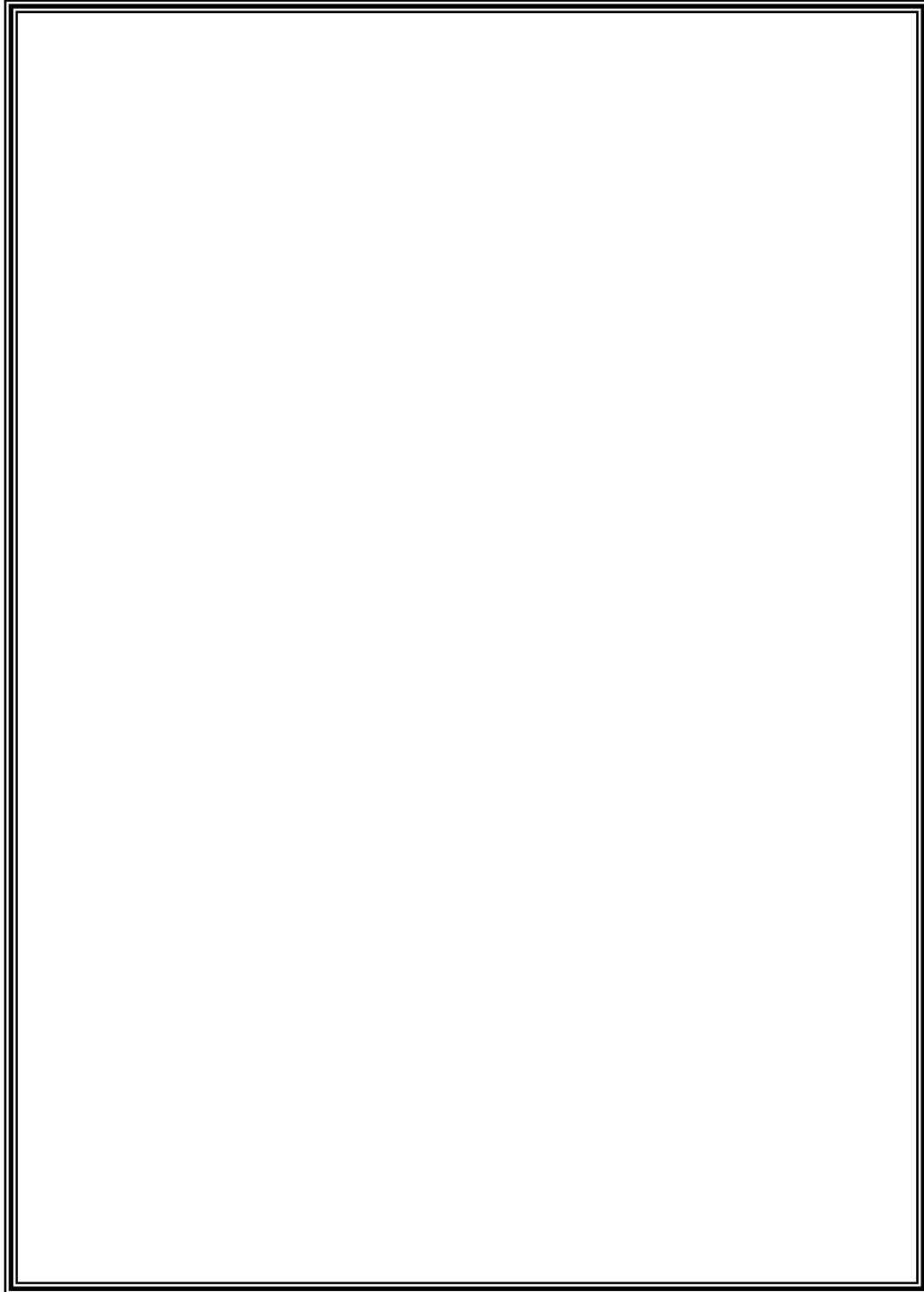
**Error! Bookmark not defined.** «ترتیب امامان مانوی تا دوره عباسی»

**Error! Bookmark not defined.** خاتمه و نتیجه گیری

**Error! Bookmark not defined.** فهرست منابع







مقدمه:

طرح تحقیق

## طرح موضوع:

مانی، پیامبر ایرانی در دوره سلطنت ساسانیان ظهور کرد و با نزدیک شدن به شاهپور توانست حمایت او را برای رسیدن به اهداف خود جلب نماید. استفاده از قدرت سیاسی برای ترویج عقاید مانوی یکی از راهکارهای مانی بود که البته پس از شاهپور چندان دوامی پیدا نکرد. چرا که مانی مورد حمله و بدگویی موبدان زرتشتی قرار گرفت و با سعایت آنان به دشمن حاکمیت ساسانی تبدیل شد. وی به ناچار گریخت اما سرانجام اسیر و کشته شد. یاران مانی نیز مورد تعقیب و آزار قرار گرفتند. بدین جهت سرزمین ایران را ترک کرده و راه مهاجرت به ماوراءالنهر و ترکستان و چین را برگزیدند.

پس از سقوط حکومت ساسانی و ورود اسلام، ادیان مختلف — از جمله مانویت — مجال ظهوری دوباره یافتند. فضای بازی که از حضور مسلمین در ایران به وجود آمده بود، مشوق اصلی مانویان در بازگشت ایشان بود. به همین دلیل پیروان مانی بار دیگر به موطن اصلی خویش در بابل بازگشته و در آن جا به تبلیغ و فعالیت خویش ادامه دادند. دوان اموی، به علت فتوحات گسترده مسلمانان در سرزمینهای جدید و تساهل و تسامح مذهبی آنها با ادیان مختلف، دوران آرامی برای مانویان بود، اما دیری نپایید که برخورد افکار مانوی با تعالیم اسلامی، به رواج پرسش‌هایی جدید منجر شد، که خطر رواج مانویت را نشان می‌داد. بدین جهت کلام و فلسفه اسلامی برای پاسخگویی به شبهات، شکل گرفت و زنادقه (لغتی که در دوره اسلامی به مانویان اطلاق می‌شد) به حالت انفعالی خود باز گشتند. زندیقان به خشم حاکمان اسلامی گرفتار شده و برای رهایی از زیر فشار به مخفی کاری در اعتقادات خویش دست زدند.

در پژوهش حاضر عملکرد و راهکارهای پیروان مانی برای کاستن آزار و اذیتها و هم چنین تبلیغ و تلاش در جهت حفظ موجودیت خود در جامعه اسلامی مورد بررسی قرار خواهد گرفت. اینکه مانویان چه راههایی برای ثبات آیین و اعتقادات مذهبی شان در میان مسلمین پیدا کردند؟

این روند در طی دو قرن اول هجری و در سرزمینهای تحت حاکمیت اموی و عباسی مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت.

## پیشینه تحقیق:

در زمینه موضوع مورد نظر پژوهشهایی انجام شده است؛ از آن جمله می‌توان به کتاب «مانی و تعلیمات او» اثر گئویدنگرن اشاره کرد که در آن تنها به جنبه شناخت مانی و اعتقادات و زندگی او و چگونگی انتشار مانویت پرداخته شده است. بنابراین به اوضاع و احوال سیاسی مانویان پس از کشته شدن مانی و هم چنین مواجهه با اسلام پرداخت نشده. هم چنین تقی‌زاده در کتاب «مانی شناسی» خویش به موارد مذکور اشاره نموده و به تحلیل عملکرد حکومتگران اسلامی با مانویان پرداخته است.

بخش زندگی و حیات مانویان پس از سقوط حکومت ساسانی در کتابهایی نظیر «مانی و سنت مانوی» اثر فرانسوا دوگره و یا «نوشته‌های مانی و مانویان» نوشته ایرج وامقی مورد بحث و بررسی قرار نگرفته که خلاء آن در بین مباحث مربوط به مانویت احساس می‌شود.

مقالاتی نیز در مجلات مختلف از جمله مقاله آبراهام ویلیامز جکس با ترجمه داریوش احمدی و با عنوان «یادکردهای دین زرتشت در متون مانوی» شماره 25 مجله هفت آسمان و هم چنین مقالاتی در «کتاب ماه دین» در باب دینهای باستان ایران تدوین شده که البته هیچ یک در باب حیات سیاسی و فکری مانویان بعد از ورود اسلام به ایران مباحثی تدوین ننموده‌اند.

### سؤال اصلی:

مانویان در دوره حاکمیت اسلامی (دو قرن اول هجری) برای حفظ موجودیت خود، در شرایط جدید چه راهکارهای فکری، اجتماعی، اتخاذ کردند؟

### فرضیه:

مانویان در دو قرن اول هجری، برای حفظ موجودیت خود، در شرایط بوجود آمده، به راهکارهایی از جمله: نزدیک شدن به قدرت سیاسی، مهاجرت، انزوا، مخفی کاری، رواج پنهانی افکار و عقاید مانوی و سرانجام نفوذ در آراء اسلامی و تأثیر در تشکیل فرقه‌های جدید، اقدام نمودند.

### مفاهیم تحقیق:

راهکار: انتخاب راههایی برای گریز از شرایط موجود بدست فرقه‌ها و گروههای مختلف در شرایط اجتماعی، سیاسی و فکری.

### موجودیت:

استقرار حیات اجتماعی - اعتقادی و بقای مانویت در شرایط به وجود آمده به رشد و گسترش این آیین در سرزمینهای دور و نزدیک کمک می‌کرد و به این ترتیب می‌توانست موجودیت خود را حفظ نماید.

#### متغیر:

متغیر مستقل = حفظ موجودیت در شرایط مختلف

متغیر وابسته = راهکارهای فکری - فرهنگی مانند مهاجرت، انزوا و پنهانکاری

#### سؤالات فرعی پژوهش:

- 1 - رویارویی اعتقادی مانویان در مواجهه با اسلام با چه راهکارهایی همراه بود؟
- 2 - مانویان در برابر شرایط سیاسی حاکم بر جامعه چه راهکارهایی ایجاد کردند و چه موقعیتی یافتند؟

#### پیش فرضهای پژوهش:

- با ورود اسلام به سرزمینهای مفتوحه جدید، گروهها و فرقه‌های دیگر دچار تغییرات شدند.

- پس از سقوط سلسله ساسانی، فضا برای فعالیت‌های تبلیغی آیین مانی فراهم آمد.

#### سازماندهی پژوهشی:

تحقیق حاضر پس از طرح تحقیق شامل چارچوب نظری می‌باشد. در این مبحث نظریه تالکوت پارسنز با تغییراتی بعنوان الگویی برای کل تحقیق ارائه شده و خواننده را در درک بهتر موضوع یاری می‌رساند. پس از آن بخشی بعنوان مدخل بر ظهور مانی و اعتقادات و آداب و رسوم مذهبی دین وی می‌پردازد. زندگی و حیات اجتماعی - سیاسی مانی و شکل‌گیری مانویت و چگونگی تبلیغ و ترویج آن، زمینه ساز حوادث و رویکردهای بعدی پیرامون دین اوست.

در ادامه پژوهش حاضر، کلیات، به زمینه‌ها و شرایط تغییر یافته قرون اولیه پس از هجرت پیامبر(ص)، اختصاص یافته و اوضاع سیاسی، اقتصادی و مذهبی دوران فتوح، بنی امیه و بنی عباس در دو قرن اول تبیین می‌گردد. شرایط این عصر، بستر شکل‌گیری فعالیتهای مانویان را فراهم می‌آورد.

در فصل اول تحقیق، به فعالیتهای مانویان در بخش فکری پرداخته شده و راهکارهای آنان برای حفظ و تداوم حیات فکری - فرهنگی مانویت بررسی و تبیین خواهد شد.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام می باشد

فصل دوم نیز به راهکارها و فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی مانویان که بخش عمده سیاستهای ترویج عقاید آنان است، پرداخته می‌شود. در این مبحث به رویارویی اسلام و مانویت و جریان نفوذ فکری مانویان در آراء اسلامی و همچنین مناظرات علمی و فکری امامان شیعه با آنان می‌پردازیم. در آخر جمع بندی و نتیجه گیری از مطالب، به پژوهش حاضر پایان می‌بخشد.

## نقد منابع:

مشکل اصلی در انجام تحقیق حاضر کمبود منابع و مأخذ مربوط به این دوران می‌باشد. دو قرن اول هجری، قرن سکوت منابع و نبود آثار مکتوب در زمینه تاریخ ایران اسلامی است. به همین لحاظ آثاری که در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته، بیشتر تألیفات قرون چهارم و پنجم هستند. تحقیقی که در زمینه موضوع مورد نظر دست اول و اصلی به نظر می‌رسیدند نیز، به یک درجه از اعتبار برخوردار نبودند. در ذیل به معرفی و نقد برخی از این آثار می‌پردازیم.

## تاریخ یعقوبی:

کهن‌ترین منبعی که به عربی نوشته شده کتاب تاریخ یعقوبی است که در آن تاریخ اسلام تا سال 252 ه. ق را دربرمی‌گیرد. یعقوبی با وجود دارا بودن مذهب تشیع در بیان روابط مذهبی، بی‌طرفی زیادی از خود نشان می‌دهد. علاوه بر این بعنوان مورخی امین، اخبار گرانبهایی راجع به ایران در اختیار خواننده می‌گذارد. تاریخ یعقوبی اطلاعات مهمی درباره اوضاع خلافت اسلامی در حوزه اموی و عباسی ارائه می‌دهد همچنین در مورد کسانی که به مانوی بودن و زندقه متهم و مورد تعقیب و آزار خلفا قرار می‌گرفتند، مطالبی بیان می‌کند که در تحقیق حاضر می‌توان بر آن صحه گذاشت.

## تاریخ الرسل و الملوک

مشهور به تاریخ طبری، مهم‌ترین و مشهورترین تاریخ عمومی اسلام است، به زبان عربی که تألیف آن در سال 202 ه. ق پایان یافته و قدمت تألیف و مزایای علمی و اجتماعی مؤلف، آن را یکی از معتبرترین مراجع تاریخ اسلام تا عصر نگارش آن قرار داده است.

طبری در بیان وقایع تاریخی بیشتر حوادث نظامی و سیاسی را مد نظر داشته و از توضیح حقایق اداری و یا فرهنگی دوری می‌کند.

اشکالی که بر نوشته‌های طبری وارد است، عدم برخورداری از روح نقادی و تعمق لازم در صحت و سقم مطالب جمع آوری شده می‌باشد. تاریخ طبری یکی از مأخذ عمده مؤلفان بعد از خود است و منبع مهم و گویای تاریخ اسلام برای مورخینی است که پس از او به نگارش تاریخ پرداخته‌اند.

تاریخ طبری راجع به وقایع اسلام و ایران و ذکر نام افرادی که ملحد و بی دین و یا در زمره زندیق به شمار می‌آمدند مطالب مهمی در اختیار ما قرار می‌دهد.

تاریخ طبری از اصلی ترین منابع تحقیق حاضر به شمار می آید که در زمینه اوضاع سیاسی - اجتماعی خلافت اسلامی در قرون اولیه هجری اطلاعات ذیقیمتی از آن بدست آمده است.

### الكامل فی التاريخ

تألیف عزالدین ابن اثیر، تاریخ عمومی سالنامه‌ای است به زبان عربی، این کتاب تحت عنوان تاریخ بزرگ اسلام و ایران به فارسی ترجمه و چاپ شده است. روایات ابن اثیر تلخیصی از تاریخ طبری است که حوادث را تا عصر حیات خویش یعنی سال 628 ه. ق دنبال نموده است. وی با انصاف و انتقادی که در بین مورخان آن روزگار بی نظیر بوده، برای تألیف، مطالب و مدارک مختلفی جمع آوری کرده، به مقایسه و تدوین روایات مختلف و ضبط آنها اهتمام نموده و هنگامی که در انتخاب روایاتی دچار مشکل می شده، به نقل هر دو روایت پرداخته است.

ویژگی مهم ابن اثیر که وی را از دیگر مورخان ممتاز می گرداند، همانا روحیه نقادی و گزیدن مطالب صحیح می باشد که برای دستیابی به اطلاعات مفید، بسیار با ارزش است. ابن اثیر در بیان حوادث دوران اولیه اسلامی و بخصوص دوره حاکمیت عباسیان اخبار مهمی ذکر می کند هم چنین اطلاعات ذیقیمتی در احوال خلفا و اقدامات آنها برای ما بیان می دارد.

### الملل و النحل:

تألیف ابوالفتح محمد بن عبدالکریم شهرستانی (548 ه. ق) این کتاب از آغاز که مؤلف آن در دربار سلطان سنجر می زیست و مورد توجه و بزرگداشت وی قرار داشته مورد اهمیت می باشد. زیرا که مؤلف در عصری می زیست که آزادی افکار و عقاید بسیار محدود شده و پرداختن به مسائل کلامی و فلسفی و علم مقالات از نظر فقهاء و محدثین آن دوره مذموم شناخته می شد. او برای دستیابی به کتابهای معتبر و گوناگون سفرهای زیادی می نمود و در زمانی که در دربار سلطان سنجر می زیست از این فرصت بهره برده و کتاب عظیم الملل و النحل را تألیف نموده است.

شهرستانی در کتاب خود به معرفی و شرح فرق اسلامی مانند حنفیه، معتزله، سنت و جماعت آراء صائبان و فلاسفه می پردازد. وی همچنین در مورد آراء عرب در ایام جاهلیت و آرای فلاسفه هند نیز سخن می گوید. این کتاب در واقع دایره المعارف مختصر ادیان و مذاهب و فرق است و مجموعه‌ای از عقاید و آراء فلسفی متعلق به ماوراء الطبیعه شناخته شده، تا عصر مؤلف می باشد.



در کتاب الملل و النحل، شهرستانی معرفی کاملی از مانویان و آراء ایشان در باب خلقت آسمان و زمین و تفکرات آنان راجع به جهان ارائه می دهد.

### الفهرست:

ابن ندیم ( 5 — 380 هـ. ق) مؤلف کتاب الفهرست، در کتاب خویش اسنادی معتبر، مهم و دست اول ارائه می دهد. سبک نگارشی روان و محاوره‌ای دارد.

در الفهرست می توان اطلاعات مفیدی راجع به اخبار و آداب و سیر و انساب، در فلسفه و علوم قدیم در خرافات و سحر و شعبده و بالاخره در مذاهب و اعتقادات پیدا کرد. هم چنین در باب اعتقادات مختلفی چون عقاید مزدکی، زردشتی و زروانی، فرقه‌های مسلمیه و جنبش خرمدینان و به آفرید نیز از مطالب جامعی برخوردار است. ابن ندیم در زمینه اعتقادات و آراء مانی، احکام و آداب این آئین، و اسامی کسانی که به ورود در مانویت متهم بودند اطلاعات ذیقیمتی در اختیار این پژوهش قرار داده است. به جرأت می توان اذعان کرد که در میان منابع اصلی مورد نظر تحقیق، کتاب الفهرست بیشترین و دقیق‌ترین روایات را در خود جمع کرده است. مطالبی که در نگاه مورخان دیگر این دوره، از نظر افتاده و به چشم نیامده است، در اثر ابن ندیم، مهم و معتبر بوده و بصورت کامل و جامع قابل دسترسی می باشد. بدین جهت الفهرست، مهمترین منبع اطلاعاتی در بررسی عملکرد مانویان می باشد.

غیر از کتب مزبور، منابع دیگری چون کتاب «الوزراء و الکتاب» تألیف «جهشیاری» و هم چنین «مروج الذهب و معادن الجواهر» تألیف «مسعودی» و «الحيوان» و «البيان و التبيين» جاحظ از جمله منابع مهم تحقیق پیش‌رو به شمار می آیند. هر چند که موضوع مورد پژوهش در برخورد با منابع دست اول دچار مشکل شده و راه سختی را پیمود، لیکن سرانجام توانست بحران کمبود منابع را از سر بگذراند. تا چه قبول افتد و چه در نظر آید.



چارچوب نظری



نهاد دین یکی از قدیمی‌ترین و در عین حال پویاترین نهادهایی است که توجه جامعه‌شناسان را به خود جلب کرده است. بنیان‌گذاران جامعه‌شناسی مانند کنت، اسپنسر، مارکس، وبر، دورکیم و زیمل توجه ویژه‌ای به نقش دین در جامعه مبذول کرده‌اند. در نتیجه‌ی تحقیقات این متفکران، مفاهیم و دیدگاه‌های نظری زیادی به وجود آمده که راهنمای پژوهش‌های جامعه‌شناسان در باره دین است.

جامعه‌شناسی دینی از لحاظ نظری با برخی رشته‌های نزدیک به آن از قبیل نظریات جامعه‌شناسی، روان‌شناسی اجتماعی، رفتار جمعی، سازمان‌های رسمی و تغییرات فرهنگی تداخل پیدا کرده است. این گرایش تحت تأثیر ضرورت‌های ناشی از ظهور و رشد جنبش‌های مذهبی و کشمکش‌های دینی و تأثیر فرقه‌های گوناگون در جامعه توسعه یافته و هدف اصلی آن بررسی روند تکامل ادیان و تحلیل و تفسیر رشد مذاهب و نقش و معنای بالقوه آنها در روند حوادث اجتماعی است. اگر چه هر یک از محققان، از دین تعبیر خاص خود را دارد، بزرگان جامعه‌شناسی بر این باور هستند که مطالعه‌ی پدیده‌های ساختی و فرآیندهای هنجاری و فرهنگی دین بایستی به عنوان یکی از موضوعات اصلی جامعه‌شناسی شناخته شود. از آن جا که هیچ جامعه‌ای یافت نمی‌شود که در آن دین وجود نداشته باشد، و هیچ دینی نیز یافت نمی‌شود که بر رفتار گروهی و هنجارهای فرهنگی سیطره نداشته باشد، جامعه‌شناسی دین شاخه‌ای مسلم از علم جامعه‌شناسی است.

در تئوری تالکوت پارسنز — نیمه قرن بیستم — جامعه متشکل از افراد کنش‌گری است که اهداف مشترکی دارند. این اهداف مشترک بر حسب نیازهای مشترکی نیز حاصل شده است. در نظریات کارکردگرایی، متفکران معتقدند که جوامع دارای اعضا و اندام‌هایی هستند که هر یک کارکردی خاص به عهده دارند و بقای جامعه در گرو رابطه متقابل و همکاری چندجانبه میان اعضای آن است. در واقع هر جامعه مانند اعضای بدن، ساختاری در ارتباط با یکدیگر دارد. اگر هر یک از اعضاء کار خود را به درستی انجام نداده و به وظیفه‌ای که بر آن محول شده عمل ننماید، کل بدن دچار نقص و کارکردی منفی خواهد شد. پارسنز در نگرش سیستمی به تأثیرگذاری خرده سیستم‌ها بر راه‌ها و اهداف اشاره کرده و نظام اجتماعی را متشکل از چهار خرده نظام می‌داند: 1- **نظام اجتماعی** که شرایط کارکردی ساخت جامعه را بر عناصر موجود نهادهای اجتماعی تحمیل می‌کند. 2- **نظام شخصیتی** بر چگونگی انتخاب راه‌ها و نحوه رسیدن به اهداف از طریق قالب‌هایی دوجبه‌ی تأثیر می‌گذارد. 3-

نظام اندام واره‌ای یا بوم‌شناسی که از تأثیر محیط مادی و نیروهای حیات‌بخش مادی بر دیگر اجزاء صحبت می‌کند. 4- نظام فرهنگی که مهم‌ترین این نظام‌ها به شمار می‌رود، از ایده‌ها، اندیشه‌ها، آرزوها، اعتقادات، باورهای جمعی و آداب و رسوم زندگی اجتماعی که فرد از جامعه‌ی حال و گذشته‌اش فرا گرفته تشکیل یافته است.<sup>1</sup>

بنا به نظر پارسونز، سیستم اجتماعی بزرگ زمانی توانایی آن را دارد که دارای کارکردی درست بوده و سلامت خود را حفظ نماید که تمامی نظام‌ها و خرده‌سیستم‌ها، سالم باشند و بتوانند به درستی که خود را انجام دهند.

اگر جامعه‌ای از سلامت لازم برخوردار نباشد دو حالت ممکن است رخ دهد: نخست آن که جامعه در قبال نداشتن شرایط مقدماتی بتواند خود را ترمیم کند و یا به شکل جدیدی زندگی را دنبال نماید. به عبارت دیگر اگر جامعه‌ای دارای خصلت «ترمیم‌پذیری» باشد می‌تواند صدمات وارده را جبران نماید و به حیات خود ادامه دهد.

در حالت دوم جامعه ممکن است به دلایل گوناگون فاقد خصلت ترمیم‌پذیری باشد و نتواند آسیب‌ها و صدمات وارد شده بر پیکر خرده سیستم‌ها را بهبود بخشد، در این صورت این جامعه از هم پاشیده و از بین می‌رود. این نظر از آن جا ناشی می‌شود که در مجموعه‌ی نظام اندام‌واره‌ای پارسونز، جامعه به مثابه‌ی موجودی زنده است. بنابر این تا آن جا که امکان دارد، سعی خواهد نمود که به نحوی خود را با شرایط جدید و مختلفی که پیش آمده سازگار و موافق نماید.

سه شرط اساسی برای هر جامعه لازم است تا بتواند سلامت خود را حفظ کرده و اعضاء خود را با شرایط جدیدی که به وجود آمده، موافق نماید: 1- وجود روابط متقابل: اولین شرط هر جامعه‌ی رو به رشد و پیشرفت آن است که میان اعضاء و خرده‌نظام‌ها باید روابط متقابلی برخوردار باشد تا از یکدیگر حمایت و پشتیبانی کرده و در شرایط لازم با هم رابطه برقرار کنند. 2- همگنی کمی و کیفی: نظام اجتماعی زمانی سلامت خود را دارا می‌باشد که روابط بین اجزاء و عناصرش متناسب با وظایف، عمل‌کردها و کارکردهای آنان باشد. هم‌چنین کمیّت و کیفیت تحولات هر جامعه در حد تحمل اعضاء آن باشد. در غیر این صورت موجب بحران و انفجار یا اضمحلال جامعه خواهد شد. 3- هماهنگی میان شروط فوق و با کل سیستم، در حالی که میان اجزاء سیستم و

1 - حسین ابوالحسن تنهایی، درآمدی بر نظریه‌های جامعه‌شناسی، چاپ اول، خردمند، تهران: 1372، صص 190-195.

کل فرآیند تعادل برقرار باشد. هر جامعه — کوچک یا بزرگ — با داشتن شرایط لازم و هماهنگی میان اجزاء و اعضا می تواند از رشد و پیشرفت متناسب برخوردار باشد. و در صورت عدم این هماهنگی دچار مشکلاتی خواهد شد که در ساختار نظام، ایجاد خلل خواهد کرد. وسیله‌ها و ابزارهایی که در اختیار اعضا و افراد این جامعه قرار دارد می تواند به جهت گیری‌های جامعه کمک کند. در این صورت کنش‌های شکل گرفته نیز می تواند هر کدام مسیر غلطی را طی کنند یا به شکلی شکست بخورند و حتی احتمال دارد به پیامدهای غیرمنتظره‌ای از انواع مذکور منجر شود.<sup>2</sup> حال بنا به خصلت ترمیم‌پذیری، جوامع می توانند به تدریج با هماهنگ کردن کارکردها، مشکلات را برطرف کنند و به سلامت قبلی خود بازگردند. در صورت عدم امکان این ترمیم جامعه رو به زوال و نابودی خواهد رفت. در نظریه‌ی پارسونز، تعلق خاطر وی به تعادل، نظام اجتماعی و پایداری وضع موجود دیده می شود.<sup>3</sup> بدین ترتیب نظام‌های اجتماعی باید کارکردهای خاص خود را به درستی انجام دهند و به وظایف محوله به طور دقیق عمل نمایند. خرده نظام‌های مورد نظر وی، هر کدام کار ویژه مخصوص خود را دارا هستند. در مورد کارکرد نظام فرهنگی گفته شده که وجه مشخصه‌ی آن پایداری یا حفظ بقاء جامعه می باشد. اگر این خرده نظام نتواند کارکردهای خود را به درستی انجام دهد دچار زوال خواهد شد. در این صورت در کل سیستم ناهماهنگی و نابودی رخ خواهد داد. دوام جامعه در هر موقعیت و شرایطی بستگی به کارکرد این خرده نظام دارد. هر گاه این بخش بتواند وسایل و ابزار حفظ سلامت جامعه را مهیا نماید، می تواند ثبات نظام اجتماعی را تضمین کرده و آن را حفظ نماید.

مکانیسم‌های گوناگونی می توانند به کارکرد نظام اجتماعی قوت ببخشند. در اولین قدم شخصیت افراد از طریق آورده‌های محیطی، اطلاعات و انگیزه را در اختیار می گیرد و نیروی محرکه‌ی فرد را تأمین می کند. سپس با شبکه‌ای پیچیده از پاداش‌ها، موفقیت‌ها دست‌یابی به اهداف و حفظ الگوهای فرهنگی به "جامعه‌پذیری" می یابد. نقش اجتماعی، افراد را به مسوولیت‌پذیری در جامعه تشویق کرده و انتظارات، هنجاری‌ها و ضمانت‌های اجرایی رفتار آنها را به تبع موقعیتی که در ساختار اجتماعی دارند، تعیین می کند. بدین ترتیب نظام کنش اجتماعی جامعه شامل مجموعه نهادهایی است که کارکرد آنها در جهت ایجاد و حفظ همبستگی می باشد. این

2 - پیتر همیلتون، تالکوت پارسونز، ترجمه‌ی احمدی تدین، چاپ اول، تهران: انتشارات هرمس، 1379، ص 85.

3 - گی روشه، جامعه‌شناسی تالکوت پارسونز، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، چاپ اول، تهران: موسسه‌ی فرهنگی، انتشاراتی تبیان، 1376 هـ. ش، ص

نهادهای هماهنگی‌های لازم را برای عمل‌کرد اجتماع ایجاد می‌کنند. نظام‌های مذکور، در عین این که مستقلند به یکدیگر وابسته‌اند و در جهت پیشبرد اهداف جامعه در تقابل دوسویه قرار دارند.<sup>4</sup>

دو ساز و کار عمده جامعه‌پذیری و کنترل اجتماعی از طریق درونی کردن قوانین و شخصیت‌پذیری افراد، اهداف مهم جامعه را به انجام می‌رسانند.

از طریق فرآیند جامعه‌پذیری باورها و ارزش‌های فرهنگی در افراد و اعضای جامعه درونی شده، و با مبادله اطلاعات به حرکت و پویائی می‌رسد. در این حال فرد راه‌های مناسب با اهداف نظام اجتماعی را بر می‌گزیند. کنترل اجتماعی نیز از طریق راه‌های تعلیم، تربیت، تبلیغ و سرانجام اجبار و زور می‌تواند افراد را در گزینش، کنش‌های هم‌سو با نظام کل اجتماع همراه نماید.

کارکرد مهم خرده نظام اجتماعی نیز ایجاد ثبات و انسجام در میان اعضای مختلف جامعه است تا از پراکندگی‌ها جلوگیری کرده و در جامعه وحدت و یک‌پارچگی ایجاد نماید. این خرده‌نظام می‌تواند با از بین بردن شکاف‌ها و عدم پیوستگی میان افراد جامعه به حفظ حیات آن کمک کند. مهم‌ترین کارکرد خرده نظام شخصیتی هم که مربوط به افراد می‌شود انتخاب بهترین هدف و روش برای رسیدن به اهداف فرهنگی جامعه است. و پس از ایجاد کارکرد و کارویژه‌های این خرده‌نظام‌ها، خرده‌نظام ارگانیک یا اندام‌واره‌ای وارد عمل شده و بین نظام‌ها ایجاد مطابقت می‌نماید. در اقع "تطابق" مهم‌ترین کارکرد این خرده نظام است. به این ترتیب میان نیازهای اجتماعی و اهداف آن تطابق به وجود آمده، جامعه به طور منظم و مستمر پیش می‌رود. بدیهی است که در صورت عدم ایجاد این مطابقت، جامعه دچار نوسان می‌شود و خرده‌نظام‌های آن کارکردی ناقص خواهند داشت.

کارکردهای مثبت اجتماعی، در صورت تداوم می‌تواند به بقاء و استمرار و حفظ بقای جامعه کمک کند اما در صورت وارد آمدن موج فشارهای منفی به تغییرات اجتماعی دچار خواهد شد. تغییر اجتماعی یک پدیده جمعی است. بنا به تعریف گی روشه تغییر اجتماعی، یک جامعه یا بخش مهمی از یک جامعه را در بر می‌گیرد. تغییر اجتماعی شرایط، شکل زندگی یا زمینه فکری و روحی، سطح وسیعی از یک جامعه را دگرگون می‌نماید.<sup>5</sup>

---

4 - همان، صص 97-100.

5 - گی روشه، تغییرات اجتماعی، ترجمه‌ی منصور وثوقی، تهران: نشر نی، چاپ پنجم، 1373، ص 26.

همان‌گونه که ذکر شد "نظام" دارای اهدافی است که اعضاء برای رسیدن به آن تلاش می‌کند و اگر در این روند به موفقیت نرسد دچار مشکل می‌شود. در صورت ترمیم‌پذیری جامعه، در مواجهه با فشارهای خارجی و داخلی دچار تحول وسیعی می‌شود. تحول اجتماعی به مجموعه‌ای از تغییرات گفته می‌شود که در طول یک دوره طولانی در طی یک و یا شاید چند نسل در یک جامعه رخ می‌دهد.<sup>6</sup> بنابر آنچه گفته شد، جوامع — اعم از نظام‌های اجتماعی — فرهنگی، دینی و... برای مقابله با فشار و حفظ ثبات و تعادل در بین اجزاء و اعضاء خود به ترمیم نقاط ضعف خود می‌پردازند و در تقابل با دیگر گروه‌ها و جوامع، به بازی‌های گوناگون روی آورند. این گونه راه‌کارها ممکن است در نظام‌های مختلف به صورت‌های گوناگونی ظهور کند و خرده‌سیستم‌های متعددی را تحت تأثیر قرار دهند.

این امر برای آن است که نظام سیاسی، پیوندهای خود را حفظ کرده و همگرایی داشته باشد. ایجاد همگرایی از طریق جامعه‌پذیری و ایجاد سیاست‌هایی برای حفظ وحدت میسر است. از دیدگاه پارسونز عوامل همبستگی و استمرار نظام اجتماعی عبارتند از: ارزش‌ها، هنجارها، نهادها و نقش‌ها.

ارزش‌ها: غایت و آرزوهای فردی و اجتماعی زندگی را تأمین و کنش‌های افراد را به سوی آن هدایت می‌کنند. کارویژه نظام ارزشی هر جامعه‌ای ایجاد مبانی همگرایی و همبستگی اجتماعی است. نظام ارزشی، عنصر اخلاقی و فرهنگی نظام اجتماعی به شمار می‌رود و به عنوان زیربنای اجتماعی تلقی می‌شود.

هنجارها: در سایه‌ی ارزش‌ها به وجود می‌آیند و عمل می‌کنند و قواعد و روش‌های عمل اجتماعی را ایجاد می‌نمایند نظام حقوقی هر جامعه، نظام هنجاری آن است. هنجارها زمینه تحقق ارزش‌های جامعه را ایجاد می‌کنند.

نهادها و نقش‌ها: تبلور ارزش‌ها و هنجارها در موسسات اجتماعی "نهادها" را تشکیل می‌دهد. و مجموعه کارویژه‌هایی که در درون هر حوزه از نظام اجتماعی وجود دارند. "نقش" نامیده می‌شود که در عمل، ارزش‌ها و هنجارها را در درون نهادها اعمال می‌کنند.<sup>7</sup> چنان که ذکر شد عوامل فوق در جامعه‌پذیری اعضاء نظام اجتماعی دخیل می‌باشند. جامعه‌پذیری موجب انتقال و دگرگونی فرهنگ سیاسی یک ملت می‌شود این راهی است برای انتقال اندیشه‌ها، باورها و اعتقادات سیاسی — اجتماعی یک نسل به نسل بعد. همان فرآیندی که انتقال فرهنگ

---

6 - گی روشه، پیشین، ص 20.

7 - حسین بشریه، جامعه‌شناسی سیاسی، چاپ اول، تهران: نشر نی، 1374، ص 86.

خوانده می‌شود. بر این اساس، نهادهای مذهبی یکی از نهادها موثر در جامعه‌پذیری هستند که عامل انتقال فرهنگ می‌باشند.<sup>8</sup>

موارد ذکر شده در جهت سوگیری صحیح جامعه به سوی پیشرفت و تکامل لازم و ضروری است ولی در صورت عدم انطباق اهداف و ساختار خرده نظام‌های جامعه، راهکارهای گوناگونی به یاری اعضاء نظام اجتماعی کل می‌آید که می‌توان به برخی از آنها اشاره کرد:

1. توسل به قدرت حاکم 2. انزوایپذیری 3. تغییر قالب کارکردی 4. اصلاح روش‌های درونی کردن قوانین 5. مهاجرت برخی گروه‌های اجتماعی برای دستیابی به موقعیت بهتر.

در مبحث جامعه‌شناسی دینی و در مدخلی با عنوان فرقه‌های نوظهور در جوامع نیز می‌توان به چنین راهکارهایی قائل شد. بر طبق نظریه‌ی "لاکمن"، شاید متخصصانی که می‌بایست کارکرد فرهنگی دین خود را با هنجارهای دنیوی منطبق سازند و ساز و کار انطباق‌پذیری دینی را با اصول نظام‌های اخلاق کلی و جامعه‌ی بزرگ‌تر به افراد نشان دهند، به این هدف مهم دست نیافتند و این ناکامی از دلایل ضعف آنها به شمار می‌رفته است.<sup>9</sup> اما ادیان جدیدی که در جوامع سر برمی‌آورند، قابلیت مواجهه با این مشکلات را دارا هستند و از طریق راه‌حل‌های جدید، سعی در حفظ ثبات دینی خود دارند تا مورد مقبولیت عامه قرار گیرند.

در خرده‌نظام اجتماعی نظریه‌ی پارسونز، دین همواره کارکردی انسجام‌بخش دارد و موجب وحدت و به هم پیوستگی اعضاء می‌شود. اما اگر جامعه دچار تغییر و دگرگونی شود، کارکرد دین نیز تغییر یافته و ممکن است انواع باورهای دینی - که هنوز نهادینه نیز نشده‌اند - به موازات دین رسمی به وجود آیند. تطابق، حرکتی آرام و تدریجی است و فرآیند مطابقت هنجارها و ارزش‌ها با کارکردهای جدید به صورتی کند و طولانی ادامه می‌یابد. ارزش‌ها و ایدئولوژی‌هایی که فرق نوظهور آنها را به اعضاء جامعه می‌شناسانند و به تقویت خود می‌پردازند و راه‌های حفظ وحدت و پایداری و بقاء در میان ایدئولوژی‌های گوناگون را می‌پیمایند.

به نظر می‌رسد گروه‌های جدیدی که در پی تغییر در جوامع هستند، برای مقابله با ثبات اجتماع به کنش‌هایی دست می‌زنند که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره نمود: **وارد شدن در بازی‌های سیاسی، نزدیکی به حاکمیت، انجام اعمال فرهنگی، جلب نظر قدرت‌های اجتماعی و سیاسی جامعه، ایجاد رهبریت جدید و**

8 - گابریل آلموند، چارچوب نظری برای بررسی سیاست تطبیقی، ترجمه علی رضا طیب، چاپ اول، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی، 1376، ص 57.

9 - غلام‌عباس توسلی، جامعه‌شناسی دینی، چاپ اول، تهران: انتشارات سخن، 1380، ص 111.



حتی تحریک مردم جامعه از طریق خشونت و ایجاد رعب و وحشت و... هر یک از این راهها شاید بتواند به پذیرش موجودیت جدید آنها کمک کند. هرگاه که این اجتماع کوچک نتواند به هر دلیلی در برابر گروه‌های حاکم مقاومت کند و همراهی آنان را نیز به دنبال نداشته باشد، به ترمیم درونی گروه خود روی می‌آورند. ممکن است که نظام تشکیل یافته در خودش رشد کند. به عبارتی حتماً چنین نیست که کل نظام دگرگون شود، بلکه ممکن است خودش را اصلاح کند و مطابق با تغییرات زمان پیش برود. این راه همان خصلت ترمیم‌پذیری است. گروه‌های جدید از طریق اصلاحات ایدئولوژیکی و تغییر اهداف و گسترده‌گی فعالیت‌های فرهنگی به درونی کردن اعتقادات و عقاید اصلاحی خود در میان اعضاء دست می‌زنند. "تکمیل" و "اتمام" مرحله‌ای است که بعد از گسترده‌گی تغییرات حاصل می‌شود. یعنی وقتی که تکنیک‌های جدید در جامعه به شکل ایدئولوژی و یا ساختار فرهنگی استحکام یابند و اعضای جامعه آن را درونی کنند، این تغییرات جدید به شکل عمیق در نظام اجتماعی بزرگ، سازگاری پیدا کرده و اصلاحات عمیق را نیز به وجود می‌آورند.

همان گونه که ذکر شد، نظام‌های نوینی که در جوامع ظهور و رشد می‌یابند، برای رسیدن به اهداف خود، طرح‌های جدیدی را در جامعه گسترده می‌کنند و اگر در برابر نظام اجتماعی رسمی متوقف شوند، از راهکارهایی برای ترمیم و اصلاح بهره می‌برند، تا تغییرات جامعه هماهنگ باشند و بقای خود را تضمین نمایند. اگر خصلت ترمیم‌پذیری کارایی خود را از دست بدهد، ممکن است راهکارهایی برای فرار از بحران نابودی و زوال پیدا کند. به عنوان مثال این که به مهاجرت قومی دست بزند یا برای در امان ماندن از اضمحلال، به انزوا کشیده شود. هم‌چنین ممکن است از خشونت استفاده کرده و به بحران و آشوب پردازد. و در جامعه ایجاد رعب و وحشت نماید. چرا که بنا به اعتقاد پارسونز اگر جامعه با تغییرات پیش نرود و خصلت ترمیم‌پذیری خود را از دست بدهد، قطعاً دچار مشکل خواهد شد.<sup>10</sup>

در مورد گروه‌هایی که در جامعه ایدئولوژی جدیدی به وجود می‌آورند و یا حتی ادیان نوظهور و فرقه‌های تازه تأسیس نیز می‌توان چنین نگرشی داشت. مثل این که هر کدام برای حفظ بقا و موجودیت خود در برابر نظام اجتماعی کل به روش‌هایی متوسل می‌شوند تا نهادها و ارزش‌های اعتقادی خود را در افراد و در نهایت در کل جامعه درونی و عمیق سازد و در برابر موانع و مشکلات احتمالی و فشارهای داخلی و خارجی، کنش‌هایی بروز می‌دهند تا به ترمیم ضعف‌ها و کاستی‌های موجود در کارکردهایشان پردازند. این فرقه — گروه یا دین

10 - ابوالحسن تنهایی، درآمدی بر مکاتب و نظریه‌های جامعه‌شناسی، مشهد: نشر مرنديز، چاپ چهارم، 1379، ص 198.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد

نوظهور (در پژوهش حاضر) باید سلامت روابط میان اجزاء و اعضاء جدیدش را حفظ نماید تا به ثبات لازم دست یابد. در غیر این صورت به زوال و نابودی خواهد کشید و از بین خواهد رفت. برای حفظ سلامت ساختار جامعه‌ی جدید، راهکارها و کارویژه‌هایی پیدا کرده تا به نحوی از انحاء خود را با موقعیت جدید و شرایط گوناگون سازگار و موافق نماید و به این گونه خود را با زمینه‌ی قبلی تطبیق دهد.

نظریه‌ی پارسونز در مورد فرقه‌ای چون "مانویت" نیز صدق می‌کند. استفاده از این نظریه به جامعه‌شناسی مانویان در دوره اسلامی کمک می‌کند و راهکارهای آنان را برای حفظ حیات اعتقادی، اجتماعی و سلامت آن نشان می‌دهد. چگونگی انتشار آیین مانی در سرزمین‌های مختلف و چگونگی مقابله و مواجهه با آئین رسمی زمان، بیان شده و در این قالب نظری مورد بررسی قرار خواهد گرفت. این که مانویان با سقوط ساسانیان برای حفظ آراء و اعتقاداتشان به چه روش‌هایی متوسل شدند و چگونه با شرایط جدیدی که به وجود آمده بود سازگاری یافتند؟!

دوران خلافت اموی و عباسی که دورانی پر از اختناق و سرکوبی عقاید غیر اسلامی بود، مانویت را مانند دیگر فرق موجود در تنگنا و فشار قرار داده بود. آیا خصلت ترمیم‌پذیری و جامعه سیاسی - اجتماعی در قوانین و احکام مانویان وجود داشت تا دچار نقص و کاستی قرار نگیرند؟ این که دیده شد در دوران عباسی دیوانی به عنوان «دیوان زندقه» تشکیل شده تا وظیفه‌ی تعقیب و شکنجه‌ی مخالفان حکومتی را به عنوان مانوی بودن و یا زندیق به عهده داشته باشد از کدام نقص سرچشمه می‌گیرد؟ در تحقیق حاضر سعی بر آن است که تمهیدات و راهکارهای اجتماعی و فکری مانویان در مواجهه با این گونه فشارها تبیین و روش گردد تا دوام و استمرار آن در طی سال‌های متمادی و یا اضمحلال و نابودی آئین و اعتقادات این دین به درستی مشخص شود. انتخاب روش‌های حفظ بقا، از سوی رهبران و بزرگان این فرقه، سیاست درستی یا نادرستی این راه‌حل‌ها را می‌نماید.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد



بخش مقدماتی

کلیات



فصل اول:

مانی و مانویت در دوره ساسانی

اوضاع سیاسی - مذهبی ایران در روزگار ساسانیان

ظهور مانی

آیین مانی

## «اوضاع سیاسی - مذهبی ایران در روزگار ساسانیان»

سرزمین بزرگ بین النهرین در حدود سال‌های 300 میلادی مملو از مخاصمات و درهم‌تنیدگی‌های سیاسی — اجتماعی بود. ایران نیز پس از سلوکیان به دست شاهزادگان اشکانی افتاده و محل برخورد دو فرهنگ بزرگ ایرانی و هلنی شده بود. دو امپراتور بزرگ زمان یعنی ایران و روم، در صحنه‌های سیاسی — فرهنگی رقیب سرسخت یکدیگر بودند و هر از چند گاهی به سرزمین‌های یکدیگر دست‌اندازی می‌نمودند. پس از گذشت حدود 350 سال سلطنت اشکانیان در ایران، سرانجام اردشیر ساسانی توانست با استفاده از ضعف شاهزادگان اشکانی، در فارس به قدرت رسیده و با شکست اردوان پنجم، آخرین پادشاه از تبار ارشک فتوحات خود را در شرق و غرب گسترش دهد. به این ترتیب تیسفون پایتخت سلوکیان را تصرف کرده و بر بین النهرین نیز چیره گشت. در این سال‌ها اردشیر کوشید تا نواحی مرزی را از چنگ رومی‌ها خارج کند. نصیبین و کرهه و الحضر از جمله شهرهای مهم متصرفاتی او بود. هر چند که زمانی بعد رومیان آنها را بازپس گرفتند. به این ترتیب اردشیر بابکان به عنوان بنیان‌گذار امپراتوری بزرگ ساسانی در ایجاد یک امپراتوری منظم و مقتدر شناخته شد. او موفق شد روش حکومت ملوک الطوائفی زمان اشکانیان را به حکومتی متمرکز تبدیل کند و قدرت خاندان‌های بزرگ را تا حد قدرت امیران محلی تابع حکومت مرکزی پایین آورد. اردشیر هم‌چنین با ایجاد یک سپاه قوی و بزرگ توانست قدرت نیرومند و بلامنازع منطقه باشد. اردشیر شهرهای متعدد ساخت و برخی از شهرهای قدیمی را آباد کرد. «اردشیر خورّه»، «به اردشیر» و «بوژاردشیر» نمونه‌هایی از این شهرها هستند.

پس از اردشیر، فرزندش شاهپور به جای او نشست. شاپور پادشاهی مقتدر بود و قدرت ساسانیان در زمان وی گسترش بسیار یافت. شاپور توانست به دلیل ضعف و انحطاط دولت کوشانیان، سرزمین ایشان را به قلمرو خود بیفزاید و متصرفات ساسانیان را تا پیشاور و کاشغر و سغد پیش ببرد. مسأله‌ی ارمنستان که بهانه‌ای برای درگیری مداوم ایران و روم بود، این بار نیز با دخالت‌های پادشاه روم، شاهپور را درگیر کرد. بدین ترتیب شاپور تعداد زیادی از شهرهای سوریه و کاپادوکیه را تصرف کرد. حملات پی در پی شاپور به داخل قلمرو

سرزمین روم دستاوردهای نظامی فراوانی برای وی به همراه داشت، تا آن جا که به دنبال آن، شاهپور خود را «شاهنشاه ایران و انیران» نامید. در این یورش هم‌چنین شاپور توانست «والریانوس» امپراتوری روم را اسیر نماید (260 میلادی). اثر این وقایع آنچنان بر عظمت خاندان ساسانی افزود که شاپور خاطره این پیروزی را در نقش رستم و بیشاپور حک کرد.

پیروزی‌های مکرر شاهپور بر امپراتوران روم در سال‌های بعد نیز ادامه یافت و حدود فرمانروایی ساسانیان را وسعت فراوان بخشید، از آذربایجان و ارمنستان تا عیلام و خوزستان و از کرمان و سیستان تا کوشان و سغد و تاشکند و کاشغر به حوزه متصرفاتی امپراتوری بزرگ پارس اضافه گردید.

پس از شاهپور، هرمزد اول بر جای او نشست. هر چند پادشاهی او کوتاه بود، لیکن در این زمان کم توانست با سغدیان جنگیده و بر آنها خراج بگذارد. هرمزد سیاست پدر را در تسامح نسبت به ادیان و در محدود کردن قدرت امیران و نجبا ادامه داد. پس از هرمزد برادرش بهرام اول تاج‌گذاری کرد. او نیز سلطنتی کوتاه داشت. در این زمان بود که موبدان زردشتی و در رأس آنها «کرتیر» قدرت یافتند و در راستای احیای آئین زرتشتی به تعقیب و آزار پیروان سایر ادیان می‌پرداختند. این دوره زمانی بود که به تدریج ضعف دستگاه سلطنت و دربار ساسانی را در مقابل قدرت‌گیری روزافزون موبدان و روحانیون زرتشتی آشکار کرد. چنانچه پس از بهرام اول در زمان جانشینی پسرش بهرام دوم، نفوذ کرتیر و دیگر قدرت‌های روحانی به اوج رسید.<sup>11</sup> به این جهت چند شورش داخلی در مخالفت با نفوذ کرتیر در دربار ساسانی به وقوع پیوست و اوضاع داخلی قلمرو ساسانی رو به هرج و مرج نهاد.

این روند تا زمان سلطنت شاهپور دوم در حدود سال 325 میلادی ادامه یافت. در این دوره شاهپور دوم با ذکاوت و لیاقتی که از خود نشان داد توانست آشوب ناشی از نفوذ بزرگان و نجبا را برطرف کند. او تاخت و تاز دشمنان داخلی را رفع کرد و قدرت رو به تزاید اشراف را محدود ساخت. در این زمان کنستانتین امپراتور روم که به مسیحیت متمایل شده و این آیین را به رسمیت اعلام کرده بود، به حمایت از مسیحیان ساکن ایران برخاست و بدین گونه دشمنی وی با شاپور دوم بر مسیحیان گران آمد و علاوه بر تحمیل مالیات‌های سنگین بر آنها، خرابی کلیساها و توقیف اموال پیروان مسیحی را نیز به دنبال داشت.

11 - کلاوس شیپمان، مبانی تاریخ ساسانیان، ترجمه‌ی کیکاووس جهاننداری، تهران: نشر فرزانه روز، چاپ اول، 1384، ص 31.

در پی اعتراض قسطنطین پادشاه روم، جنگ میان ایران و روم آغاز شد و نبردهای بی‌امان میان این دو قدرت بزرگ بی‌نتیجه ماند. زمانی ایرانیان و دوره‌ای نیز رومیان به پیروزی دست می‌یافتند. سرانجام دو طرف تن به صلح دادند.<sup>12</sup>

فرمان‌روایی همراه با تدبیر و اراده شاپور دوم، قدرت‌های کوچک و بزرگی چون رومیان و کوشانیان را به احترام و فرمانبرداری نسبت به ایران واداشت و قدرت ساسانیان را احیاء کرد و توانست تا مدت‌ها آن را استوار نگهدارد. جانشینان شاپور دوم هر چند گاهی مقتدر بودند و اصلاحاتی را در سازمان‌های اداری و مدیریتی حکومت آغاز می‌کردند، لیکن مدت کوتاه حکمرانی آنان اجازه تثبیت قدرت منطقه‌ای و گسترش بیشتر متصرفات ساسانیان را به آنان نمی‌داد. به علاوه قدرت‌گیری روزافزون نجبا و موبدان و روحانیون زرتشتی به ضعف دربار و حاکمیت ساسانی کمک می‌کرد.

### قدرت‌گیری موبدان

با دگرگونی اوضاع سیاسی ایران در قرن سوم میلادی که به دنبال سقوط حکومت اشکانی روی داد اوضاع فرهنگی، اجتماعی نیز مجال تحول یافت و تمایل خود را با تغییر و اصلاح بروز داد. بقایای دودمان اشکانی و نجبای وابسته به آنها هنوز نفوذ و قدرت خود را حفظ کرده بودند و طوایف و اقوام متعددی که در زمان‌های پیشین با استقلال نسبی زندگی می‌کردند وجود یک حکومت مستقل متمرکز را تاب نمی‌آوردند. بنابر این اردشیر تمام سعی خود را بر یکپارچه کردن وحدت و تمرکز حکومت ساسانی در سراسر قلمرو خود نمود و پادشاهان محلی داخلی فلات ایران را به اظهار اطاعت و انقیاد از حکومت مرکزی وادار ساخت. سیاست متمرکزگرایی و توجه به ملیت ایرانی در سرتاسر دوران پادشاهان ساسانی وجود داشت. این وحدت رفته رفته به وسیله‌ی آیین زردشت تضمین و تحکیم شد. خاندان ساسانی که در شهر کهن "استخر" آتش‌گاه مخصوص داشتند، زمانی نیز عنوان سلطنت را بر منصب روحانی خود افزودند و برای حفظ اعتبار و حیثیت خویش، نژاد و تبار خود را به پادشاهان باستانی پیش از اسکندر منسوب کردند. سرانجام نیز بین دین و دولت اعلام اتحاد کردند. این امر سبب جلب اعتماد زرتشتیان به حکومت جدید شد و این تدبیر اردشیر، به تثبیت موقعیت وی نیز کمک کرد. هرچند که بعدها موبدان و هیربدان زرتشتی نفوذ خود را در دربار و در بین مردم اجتماع بسیار عمیق کردند. و جامعه‌ی روزگار ساسانی را تحت تأثیر فرمانهای خویش قرار می‌دادند، لیکن در ابتدا امپراتوری

12 - عبدالحسین و روزبه زرین‌کوب، تاریخ ایران باستان، جلد 4 (تاریخ سیاسی ساسانیان)، چاپ اول، تهران: انتشارات سمت، ص 13.

جوان ساسانی علاوه بر دارا بودن قدرت جنگی عظیم برای گسترش فتوحات خود می‌بایست از نیروی معنوی مستحکمی برخوردار باشد تا بتواند هماهنگی لازم را در بین اقوام گوناگون تحت تابعیت برقرار سازد. و سیاست تمرکزگرایی خویش را در راستای موفقیت قرار دهد.

جامعه‌ی روزگار ساسانی در ابتدای تشکیل این سلسله میراث یونانی‌مسلکان سلوکی و اشکانی بود. اما در مدت چهار قرن فرمان‌روایی ساسانیان به تدریج نظم گرفت و رشد و تکامل یافت. در بدو تشکیل، جامعه‌ی ایرانی شاید به سه طبقه تقسیم می‌شد: آثربان (روحانیان)، ارتشتار (جنگیان) و برزگر (کشاورزان) این تقسیم‌بندی بارها در اوستا دیده می‌شود.<sup>13</sup> اما در ایران عهد ساسانی به تدریج طبقه‌بندی چهارگانه‌ای به وجود آمد: 1- روحانیون (آثروان) 2- جنگیان (ارتشتاران) 3- مستخدمین ادارات (دبیران) 4- توده ملت، صنعت‌گران و شهریان.<sup>14</sup> هر یک از این طبقات خود به چند دسته تقسیم می‌شد:

\_ روحانیان: قضات و علماء دینی، مغان، موبدان و هیربدان و سایر اصناف روحانی.

\_ طبقه‌ی جنگیان، مشتمل بر سوار و پیاده بوده که وظایف مختلف داشتند.

- اصنافی که در طبقه‌ی مستخدمین ادارات بودند از این قرار است: منشیان، نویسندگان احکام محاکم و نویسندگان اجازه‌نامه و قراردادها و مورخان و پزشکان و منجمان.

\_ طبقه‌ی توده‌ی مردم هم مرکب از اصناف و شعبه‌هایی بود مانند تاجران، کشاورزان، سوداگران و سایر

پیشه‌وران.<sup>15</sup>

مغان در اصل قبیله‌ای از قوم ماد بودند که مقام روحانیت منحصرأً به آنان تعلق داشته است. در عهد اشکانی و ساسانی، این طایفه را "مغان" می‌خوانده‌اند. مردم به ایشان چون طبقه‌ی خاص نگریسته و از یک قبیله می‌شناختند که تکلیفشان عبادت خدایان و اجرای اعمال دینی بود. این طبقه هم به مرور زمان دارای اعضای بیشتری شده بود و به استناد تاریخ افسانه‌آمیزی که داشتند برای خود شجره نسب پرافتخاری تشکیل می‌دادند

13 - اوستا، یسنا، هات 11، بند 6؛ فروردین یشت، کرده 24، بند 89، زامیاد یشت، بند 8.

14 - آرتور کریستین سن، وضع ملت و دولت و دربار در دوره شاهنشاهی ساسانی، ترجمه‌ی مجتبی مینوی، چاپ دوم، تهران: پژوهش‌گاه علوم انسانی و

مطالعات فرهنگی، 1374، صص 29-30.

15 - همان، صص 152-150.



که از حیث قدمت و شرافت با خاندان‌های بزرگ همسانی می‌کرد. موبدان ادعا می‌کردند که نسب آنان به شاهنشاه داستانی ایران، منوچهر از سلسله پیشدادیان می‌رسد.<sup>16</sup>

تشریفات مذهبی در معابر به وسیله هیربدان اجرا می‌شد. "هیربذ" به معنای خادم آتش بوده و یکی از مهم‌ترین آنان "تنسر" می‌باشد که در تأسیس و تشکیل دین رسمی زرتشی با اردشیر بابکان هم‌دست بود. هیربذ دیگر "زروان داد" پسر مهرنرسه است که «پدر او را نامزد امور مذهبی و قضایی کرده بود»<sup>17</sup> مسعودی می‌گوید که هیربذان به سمت قاضی، فتوا صادر می‌کردند.<sup>18</sup> عزل و نصب عمال دینی با موبدان موبذ بود. از طرف دیگر خود او را شاه تعیین می‌نمود. وی انجمن‌هایی برای تفتیش عقاید و شکنجه‌ی بدبینان، خصوصاً در مناطقی که در مخالفت با دین رسمی قیام شدیدی می‌شد، تأسیس می‌کرد.<sup>19</sup> اجرای عقد ازدواج و تطهیر افراد از ننگ بی‌دینی و ارتکاب گناه از اختیارات موبدان بود.

ارتش ساسانی نیز خود به طبقاتی تقسیم می‌شد: سواره‌نظام، پیاده نظام. که از دیدگاه اجتماعی سواره نظام بر پیاده نظام برتری داشت. زیرا از دیهگان، دهقانان و آزادان تشکیل می‌شد. دهقانان به صاحبان زمین می‌گفتند که خود از مهتران مردم جامعه بودند. اما پیاده نظام از زیردستان جامعه‌ی ساسانی تشکیل شده بود. در این سپاه تیراندازان نیروی عمده به شمار می‌رفتند، و بخش‌های دیگری چون نیزه‌داران و فلاخن‌اندازان را نیز شامل می‌شدند.<sup>20</sup>

تقسیم‌بندی طبقات در جامعه‌ی ساسانی به صورت اطلاعات کنونی از دوره‌ی خسرو انوشیروان به وجود آمد. در نامه‌ی تنسر که در زمان همین پادشاه ساسانی تألیف شده، طبقات جامعه به همین ترتیب بیان شده. در این نامه اعضایی برای جامعه متصور شده که پادشاه به منزله‌ی سر آن می‌باشد، عضو اول، حکام، زهاد و عباد و معلمان. عضو دوم مقاتل به معنای مردان کاراز که به دو بخش سواره و پیاده تقسیم می‌شوند. عضو سوم کتاب،

---

16 - همان، ص 175.

17 - طبری، تاریخ الطبری (تاریخ الامم و الملوک)، بیروت: موسسه‌ی عزالدین، 1413 هـ. ق، ص 859.

18 - علی بن الحسین مسعودی، مروج الذهب و معادن الجوه، تحقیق محیی الدین عبدالحی، مصر: 1967، الجزء الثاني، ص 156.

19 - کریستن سن، وضع دولت و دربار در دوره‌ی شاهنشاهی ساسانی، پیشین، صص 51-52.

20 - عنایت الله رضا، ایران و ترکان در روزگار ساسانیان، چاپ سوم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، 1381، ص 18.

که انواع کتاب رسایل، محاسبات، اطبا و شعرا و منجمان از جمله آنهاست و عضو چهارم را مهنه می نامند که برزیگران و تجار و سایر مشاغل را شامل می شوند.<sup>21</sup>

اشراف ساسانی نیز امتیازاتی داشتند. موبدان نیز از امتیازهای گسترده‌ای بهره‌مند می شدند. مقام‌های عالی کشور در اختیار اشراف و بزرگان قرار داشت. بیشتر مقام‌ها از جمله پایه‌ها و درجات نظامی، موروثی می شد و دیگران نمی توانستند در امور مربوط به آنها مداخله کنند. مانند مقام "ارگبد" که نظارت به امور ارتش را عهده‌دار بود و تنها به خانواده شاهی اختصاص داشت. عدم تداخل طبقات در یکدیگر به عنوان اصلی تغییرناپذیر بر جای ماند، انتقال از طبقه‌ای به طبقه‌ای بالاتر، غیر ممکن و بر خلاف اصول و عرف جامعه بود.

### اوضاع مذهبی:

در ابتدای تشکیل سلسله‌ی ساسانی، پادشاهان به سبب حمایت روحانیون زرتشتی و تکیه بر نفوذ و قدرت آنها به سلطنت می رسیدند و به همین دلیل با رسمی کردن آیین زرتشت، اختلاف عقاید مذهبی فراوانی را که در اوایل این عصر به چشم می خورد، یکدست نمودند.

در این دوران — اوایل عصر ساسانی — بر دربار، پرستش خدایان مهر و آناهیتا و به طور کلی تکیه بر اشکال مختلف مذهبی ملی ایران حاکم بود.<sup>22</sup> گروه‌های بزرگ کوچ‌نشین یهودی از زمان‌های بسیار دور در اطراف بابل اقامت داشتند و مبلغان یهودی بر ترویج عقاید خویش مصر بودند. گروه‌های مختلف دیگری چون بابلی، سریانی، مسیحی و یهودی در جنوب بابل اقامت داشتند.<sup>23</sup> "ادسا" نیز پایگاهی برای تبلیغ مسیحیان در شمال بین النهرین بود. عقیده معمول جامعه‌ی اوایل ساسانی، عبادت مجموعه خدایانی بود که عبارت بودند از زرئوان، اورمزد، مهر، آناهیتا و ورهران (بهرام). پرستش مهر در میان مردم بین النهرین و نواحی همجوار آن اهمیت فراوانی داشت. آیین بزرگداشت کیش مهر، اسرار مهرپرستی نام داشت که نه تنها در سرزمین ایران، بلکه خارج از حدود و ثغور فلات ایران نیز رواج یافته بود. مهر حتی نام خود را به جشن بزرگ "مهرگان" و به آتش «برزین مهر» هم داد.<sup>24</sup> پرستش آناهیتا بیشتر دوره‌های پادشاهی ساسانی را در بر می گیرد و بسیاری از آنها از جانب این

21 - نامه‌ی تنسر به گشتاسب، تصحیح مجتبی مینوی، چاپ دوم، تهران: انتشارات خوارزمی، 1354، ص 57.

22 - آرتور کریستن سن، ایران در زمان ساسانیان، پیشین، صص 220-215.

23 - گنویدنرگن، مانی و تعلیمات او، ترجمه‌ی نزهت صفای اصفهانی، چاپ اول، تهران: نشر مرکز، 1376، ص 19.

24 - دوشن گیمین، دین ایران باستان، ترجمه رؤیا منجم، چاپ اول، تهران: نشر فکر روز، 1375، ص 362.

خداوندگار، تاج بر سر می‌نهادند. او در استخر معبدی داشت که اردشیر و جانشینان پس از وی خدمتگزار آن بوده‌اند. شاهپور دوم معبدی برای آب‌ها و احتمالاً آناهیتا بنیان نهاد.<sup>25</sup>

مسئله «زروان‌گرایی» یا پرستش زمان، در زمان ساسانیان رواج داشت. فرای عقیده دارد که زروان‌گرایی و مزداگرایی از لحاظ عقیدتی دو دین هستند اما از نظر عملی یکی می‌باشند.<sup>26</sup> اما از نظر کریستن سن نتیجه‌ی آیین زروان همان شکل زردشتی‌گری در دوره ساسانی است.<sup>27</sup> «اورمزد» نیز اصلی‌ترین خدای ساسانیان است که تمامی شاهان به پرستش او معترفند و پس از تاجگذاری هرمزد، اورمزد جایگزین میترا و آناهیتا در اعطای تاج شاهی می‌گردد.<sup>28</sup>

غیر از ادیان ایرانی کهن، مذهب قدیم بابلی که طریقه‌های مختلف از دل آن برآمد، برخی از آیین‌های دینی سریانی که در بابل و آشور پیروانی داشت و همچنین دین‌های یهودی و مسیحی در جنوب بابل و شمال بین النهرین طرفدارانی داشتند، دیصان و مرقیون نیز توانستند با وارد کردن عناصر عرفانی در مسیحیت در شمال بین النهرین پیروانی جمع کنند.<sup>29</sup>

وجود افکار و گروه‌های مختلف در جامعه‌ی ساسانی، از آن جا ناشی شد که در این زمان با قدرت گرفتن موبدان و روحانیون زرتشتی، قدرت در دست آتشکده‌ها منحصر شد. مغان برای مشغول کردن مردم، مراسم ویژه‌ای برای زدودن ناپاکی و اجرای واجبات دینی وضع کردند. تا کاهنان بتوانند هرچه بیشتر در کار مردم مداخله نمایند. و همیشه آنان را زیر نظر داشته باشند. اجرای این مراسم، خرج‌های سنگینی نیز بر افراد تحمیل می‌کرد. این امور به همراه فساد روحانیون زرتشتی به سلب اعتماد و نارضایتی مردم از این طبقه منجر شده بود. سلاطین ساسانی نیز که در ابتدا با حمایت و پشتیبانی مغان به حکومت رسیده بودند، در دوران قدرت خویش، سعی در کاستن دخالت روحانیون در امور کشور می‌کردند. حمایت شاپور اول از "مانی" و حمایت از او در تبلیغ این آیین جدید در مناطق مختلف و یا پشتیبانی قباد اول از جنبش "مزدک" در برابر بزرگان و موبدان زرتشتی و همچنین تساهل و تسامح دینی پادشاهان مقتدری چون خسرو انوشیروان در دوران حکومت خود،

25 - همان، ص 362-363.

26 - ریچارد فرای، میراث باستانی ایران، ترجمه مسعود رجب‌نیا، چاپ اول، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، 1373، ص 321.

27 - آرتور کریستن سن، ایران در زمان ساسانیان، پیشین، ص 150.

28 - دوشن گیمن، پیشین، صص 360-361.

29 - گنویدنگرن، پیشین، صص 18-19.

بیانگر آن است که در عصر شکوفایی و اُبّهت سلسله ساسانی، از نفوذ و قدرت‌گیری نجبا و روحانیون کاسته شد و پیروان سایر ادیان و فرق می‌توانستند آزادانه به اجرای آیین‌های خویش بپردازند. اما هرگاه که حاکمیت رو به ضعف می‌نهاد، روحانیون زرتشتی با حمایت از شاهزاده‌ای جوان، پشتیبانی دین زرتشت را از او خواستار می‌شدند تا از آن در برابر سایر فرق و آیین‌های نوظهور دفاع نماید. در غیر این صورت ممکن بود که پادشاه به بی‌لیاقتی متهم شده و فرّ ایزدی شاه بدکردار را — که مطابق تعالیم روحانی اعظم رفتار نکرده بود — رها سازد، بدین ترتیب عزل پادشاه از سوی موبد بزرگ اعلام می‌شد.<sup>30</sup>

کشمکش بر سر قدرت برای دست‌یابی به سلطنت، رأی هیربذ بزرگ را می‌طلبید، چه این که او نمایند قدرت دینی و اعتقاد مذهبی مردم به حساب می‌آمد. اولین پادشاهان سلسله ساسانی، خود جانشینی انتخاب می‌کردند که به طور کلی یکی از پسران پادشاه یا یکی از اعضای خانواده سلطنتی بود، اما زمانی که قدرت سلاطین رو به ضعف نهاد، انتخاب شاه ساسانی به عالی‌ترین مقام طبقه روحانی و سپاهیان و دبیران تعلق داشت و اگر بین این مقامات اختلاف به وجود می‌آمد، این انتخاب تنها توسط موبدان زرتشتی صورت می‌گرفت.<sup>31</sup>

جامعه‌ی ساسانی در این روزگار دچار اختلاف‌های عمیق طبقاتی شده بود. طبقه‌ی اشراف و نجبا و بالاتر از آن‌ها موبدان و هیربذان کنترل دستگاه حاکمیت را به دست داشتند و بر مردم فقیر و عامی ظلم بسیار می‌نمودند. این گونه بود که آئین‌های نوظهوری مانند «مانویت» در عصر اول ساسانی مورد استقبال توده مردم قرار گرفت. پس از آن در دوره دوم با به وجود آمدن اوضاع ناگوار اقتصادی و فشار حکومت استبدادی و افزایش قدرت نجبا و موبدان، جنبش «مزدک» نیز شکل گرفت. این جنبش که دارای بن‌مایه‌های مانوی بود توانست با ادعای درستی، بنیاد اشرافیت ساسانی را متزلزل نماید.<sup>32</sup> نهضت‌هایی از این دست سعی در برطرف کردن نواقص اجتماعی داشتند و قادر بودند به کمک اصول اخلاقی مورد قبول همه‌ی مردم، تعالیم خود را چنان تنظیم کنند که پیروان بسیاری نیز جمع نمایند.<sup>33</sup>

---

30 - آرتور کریستن سن، پیشین، صص 336-365.

31 - همان، صص 360-363.

32 - اوتاگر کلیما، تاریخچه‌ی مکتب مزدک، ترجمه‌ی جهانگیر فکری ارشاد، چاپ اول، تهران: انتشارات توس، 1371، ص 23.

33 - شیرین بیانی، دین و دولت در عهد ساسانی و چند مقاله‌ی دیگر، چاپ اول، تهران: انتشارات جامی، 1380، ص 37.

## «ظهور مانی»

مانی در سال 216 میلادی در قریه‌ی مردنیو در ایالت بابل به دنیا آمد.<sup>34</sup> پدر وی اهل همدان بود. و «پاتیگ» یا «تیگ» نام داشت. مادرش «میس» یا «مریم» از فرزندان پادشاهان اشکانی بود. پیش از تولد مانی فتگ و همسرش به بابل مهاجرت کرده بودند و به گفته‌ی ابن ندیم پدر مانی در «دستمیسان» به فرقه‌ای که به مغتسله معروف بودند پیوست.<sup>35</sup> این امر به دنبال آن بود که روزی در بتخانه صدایی شنید مبنی بر آن که: پاتک! گوشت نخور، شراب ننوش و از زن پرهیز کن. این واقعه سه بار تکرار شد و سرانجام پاتک را برای پیوستن به فرقه‌ی مغتسله که در همان میسان متمرکز بودند، مصمم نمود. مغتسله به معنای کسانی که خود را تطهیر می‌کنند، به نوعی روش زهدگرایانه نزدیک بودند. مانی نیز در چنین محیطی پرورش یافت و در میان گروه تعمیدیان بزرگ شد. در روایات آمده است که هنگامی که مادرش او را در حمل داشت به خواب دید که فرشته‌ای فرزندش را گرفته، به آسمان می‌برد و باز می‌گرداند.<sup>36</sup> هم‌چنین او را از آینده‌ی پسرش و اهمیتی که پیدا می‌کند آگاه می‌گرداند. هم‌چنان که ابن ندیم گوید: بعدها پدرش به دنبال او فرستاد او را به جایی آورد که خود در آن جا زندگی می‌کرد از آن پس مانی در نزد پدر و با مذهب او بزرگ شد. تأثیراتی که مانی از این گروه پذیرفت بعدها در قسمت‌های زیادی از عقاید او دیده می‌شود. هنگامی که مانی به سن 12 سالگی رسید، یعنی در سال 228 - ملکی بر او ظاهر شد که «توم» نامیده می‌شد. به معنای قرین و همزاد - توم به مانی ندا داد تا آماده‌ی ظهور و نشر تعالیم الهی شود. پیام فرشته‌ی آسمانی از این قرار بود: «این جماعت را فراموش کن. وظیفه‌ی تو رو کردن به اصول اخلاقی و ترک شهوات است اما از آن جا که هنوز جوانی، وقت ظهور تو فرا نرسیده است. باید در انزوا باشی تا زمان اعلان دعوت رسالت تو فرا رسد.»<sup>37</sup> از آن پس همزاد

34 - ابوریحان بیرونی، آثار الباقیه عن القرون الحالیه، ترجمه اکبر داناسرشت، چاپ سوم، تهران: 1363، ص 269.

35 - اسحاق بن محمد بن ندیم، الفهرست، المکتبه التجاریه الکبری، قاهره: مطبعه الاستقامه، بی‌تا، ص 471.

36 - همان.

37 - همان. ص 471.

مانی احکام و دستورات را برای وی می آورد و معارف او را تکمیل می کرد. مانی خود را همان فارقلیط زنده که مسیح (ع) آمدن او را بشارت داده بود، می نامید.<sup>38</sup>

مانی در این مدت به مطالعه‌ی متون مذهبی و تحصیل اطلاعاتی از ادیان دیگر بین النهرین و طریقه‌های مذهبی شایع در بابل و اطراف آن و بخصوص عقاید رایج بین آرامی‌های سرزمین بین النهرین پرداخت. خصوصاً به پیروان "مریقون" و "باردیسان" که در آن نواحی تعداد زیادی را شامل می شدند، نزدیکی پیدا کرد.<sup>39</sup> در سال 240 میلادی، همزمان با تاج‌گذاری شاهپور اول — فرشته‌ی توم یک بار دیگر مانی ظاهر شد و مانی را — که اکنون 24 ساله بود — به ظهور و تبلیغ احکام و دستورات الهی امر کرد. فرشته به او گفت که: خداوند بر تو درود می فرستد و تو را برای دعوت خود انتخاب می کند. او از تو می خواهد که مردم را به حقیقت دعوت کنی و پیام حقیقت را از جانب خدا به عموم مردم برسانی. اکنون وقت آن رسیده که تو آشکارا تعلیمات خود را انتشار دهی.<sup>40</sup>

مانی ابتدا پدر و بزرگان قوم خویش را به کیش خود در آورد و سپس به جانب هندوستان رهسپار شد. وی همان گونه که به تبلیغ و انتشار آیین خویش می پرداخت با یک مذهب جهانی به نام "بودا" آشنایی یافت. مذهب بودایی بر افکار و روش مانی تأثیر بسزایی گذاشت.

مانی توانست برادران شاهپور؛ مهرشاه و پیروزشاه را با خود هم‌آوا کرده و آنها را به جمع پیروان خویش در آورد. به واسطه پیروزشاه برادر شاه ساسانی بود که مانی توانست با وی دیدار کند. پدر و دو تن از یارانش به نام‌های "زکوا" و "شمعون" او را در این دیدار همراهی می کردند. در این حضور مانی تنها کتاب خود را که به زبان فارسی میانه نگاشته بود و "شاهپورگان" نام داشت به شاهپور تقدیم کرد. پادشاه ساسانی نیز سخن مانی را پذیرفت و به آیین او درآمد و اهل کشور خود را نیز به پذیرفتن این دین واداشت.<sup>41</sup>

بنا به گفته‌ی یعقوبی، شاهپور به مدت بیشتر از ده سال بر آیین مانی بماند. اما موبدان زرتشتی — که کرتیر از قوی‌ترین آنها و بانفوذترین ایشان در دربار ساسانی بود — از به خطر افتادن دین زرتشت هراس یافته و از شاهپور

38 - همان، ص 473؛ ابوریحان بیرونی، پیشین، ص 309.

39 - باردیسان و مریقون در اواسط قرن دوم در رم زندگی می کردند و به همه‌ی نوشته‌های گنوستیک آشنا بوده و مظهر افکار و روایات شرقی بودند. در طریقه‌ی گنوستیکی آنان، تورات را رد کرده ولی انجیل را قبول داشتند. در زمان ظهور مانی نوشته‌های این دو تن منشر شده و رواج داشت. برای توضیح بیشتر به فصل عقاید مانی مراجعه نمایید.

40 - ابن ندیم، پیشین، ص 473.

41 - احمد بن ابی یعقوب، تاریخ الیعقوبی، الجزء الثانی، النجف: مکتبه الحیدریه، 1974 م، ص 138.

خواستند تا مجلس مناظره‌ای با مانی ترتیب دهد که البته هر کدام در این پرسش و پاسخ پیروز شد، شاه به حقانیت او رأی دهد. بنا به روایت یعقوبی «چنین کردند و البته موبد پیروز گشت و شاهپور از دین ثنوی به دین مجوسی بازگشت»<sup>42</sup>

در هر حال مانی در طی سال‌های سلطنت شاهپور و با پشتیبانی درباریانی چون فیروزشاه و مهرشاه برادران شاه ساسانی توانست به تبلیغ آیین خود در سراسر قلمرو شرق و غرب بپردازد. مانی به همراهی بسیاری از پیروان خود، از چین و هند گرفته تا شمال آفریقا را در نوردید و در طی سفرهایش به رواج آداب و اعتقادات مانوی می‌پرداخت. در این زمان بود که کار مانی بالا گرفت و پیروان زیادی یافت. کتب بسیاری از قبیل انجیل مخصوص خویش، شاپورگان، کنز الاحیاء، سفرالجبایره و کفالایا تدوین کرد و بنا بر گمان خود آنچه را که مسیح(ع) به طور رمز گفته بود، او بیان نمود.<sup>43</sup>

یعقوبی نقل می‌کند که پس از شکست مانی در مناظره با موبد زرتشتی، وی به هندوستان گریخت تا از آسیب شاه در امان بماند.<sup>44</sup> اما هرمز، جانشین شاهپور، او را به قصر خود فراخواند و از او پشتیبانی کرد. چنان‌که در زبور مانی آمده که: «شاهپور تو را احترام کرد و هرمز حقانیت تو را پذیرفت»<sup>4</sup> ولی سلطنت هرمز نیز بیش از یک سال و اندی دوام نیافت و بهرام که به جای هرمز نشست، با تحریک موبدان زرتشتی، نظر خوبی به مانی و آیین او پیدا نکرد.<sup>45</sup> یعقوبی گوید که مانی به فارس آمد و امرش شهرت یافت و جایش آشکار شد. بهرام او را خواست و از او سؤال نمود. مانی حال خود را بازگفت. بهرام جلسه‌ی مناظره‌ای میان او و موبد زرتشتی فراهم کرد. موبد به او گفت: ارزیابی گذاخته در معدۀ من و تو ریخته می‌شود. هر کدام که آسیبی نرسید، پیروز خواهد بود، اما مانی پذیرفت<sup>46</sup> مانی نیز به ناچار فارس را ترک گفت و این گریز و استتار دو سال و یا به قولی چند ماه طول کشید.<sup>47</sup> حمزه اصفهانی عقیده دارد که مانی قبل از حبس توسط بهرام دو سال در گریز

---

42 - همان، ص 139.

43 - ابوریحان بیرونی، پیشین، ص 310.

44 - احمد بن ابی‌یعقوب، پیشین، صص 139-140.

45 - سی.آر.سی.آلبری، زبور مانوی، ابوالقاسم اسماعیل‌پور، چاپ اول، تهران: انتشارات فکر روز، 1375، مزمور 241، ص 118.

46 - احمد بن ابی‌یعقوب، پیشین، ص 138.

47 - احمد بن ابی‌یعقوب، پیشین، ص 139.

بود.<sup>48</sup> اما ابن حزم گوید: که مانی فقط قریب سه ماه ظاهر شد و اصحاب او با وی بودند. 49 در علت فرمان کشتن مانی مقدسی گوید: بهرام به مانی گفت: به چه چیز مرا دعوت می کنی؟ جواب داد: به خراب دنیا و ترک آبادی در آن به خاطر آخرت. وی گفت من بدن تو را خراب می کنم و امر به کشتن او داد. بدین سان مانی را دستگیر کرده و مورد آزار و شکنجه قرار دادند.<sup>50</sup> در زبور مانوی خطاب به مانی گوید: «مجوسیان تو را با آهن بار کردند و دست و پاهای تو را با آهن بستند و زنجیرها روی بدن تو گذاشتند و تو را در حبس انداختند و بیست و شش روز و شب در آهن ماندی و اصحاب تو پیش تو آمدند و همه را معانقه کردی»<sup>51</sup>

بنا به روایت یعقوبی مانی شبانه پوست کنده شد تا جان داد و صبح که بهرام او را نزد خود خواند وی مرده بود دستور داد سر او را بریدند و پوست او را از گاه پر کردند. حمزه اصفهانی واقعه‌ی کشتن مانی را چنین توضیح می دهد:

«به فرمان بهرام، دانشمندان گرد آمدند و در حضور بزرگان با او گفتگو و اتمام حجت کردند و به دستور بهرام کشته شد. پوستش را کنده و از گاه پر کردند. سپس از دروازه شهر جندی شاپور آویختند»<sup>52</sup>

طبری گوید که «که از آن زمان، آن دروازه "دروازه مانی" نام گرفت و بهرام یاران و پیروان او را بکشت»<sup>53</sup>

با وجود این کشتار و شدت عمل پادشاه ساسانی، مانویت به کلی از میان نرفت بلکه با فرار تعداد زیادی از آنان به غرب و شرق تا قلب اروپا و چین، فرهنگ و تمدن ساسانی توسط آنان در پهنه‌ی جهان گسترش یافت. این گونه بود که پس از قتل مانی، عده‌ای به شرق مهاجرت کردند و گروهی از آن میان در چین و گروهی دیگر در سغد و سرزمین ایغور ساکن شدند. مانویت تا اواخر حیات مانی حتی به سرزمین اردن نیز رسیده بود. و حتی بین سالهای 293-300 میلادی مانویت به شهر مرزی حیره در جنوب بین النهرین که محل برخورد تمدن‌های سریانی و ساسانی و عرب بود نیز رسید. ابن رسته جغرافی‌دان عرب ورود مبلغین مانوی را به مکه از

48 - حمزه بن الحسن الاصفهانی، تاریخ سنی ملوک الارض والأندلس، بیروت: منشورات دار مکتبه الحیاه، الطبعة الثالثة، 1961 م، ص 45.

49 - ابن حزم، الفصل فی الملل والاهواء والنحل، الجزء الثانی، طبع قاهره، 1327 هـ، صص 5 و 73.

50 - مطهر بن طاهر المقدسی، البدء والتاریخ، الجزء الثالث، بیروت: دار صادر، 1903 م، صص 157-158.

51 - سی.آر.سی.آلبری، پیشین، صص 120 و 119، مزمو 241.

52 - حمزه بن الحسن الاصفهانی، پیشین، صص 45-46.

53 - محمد بن جریر الطبری، تاریخ الامم والملوک، ج 2، پیشین، ص 596.



جانب حیره گزارش کرده و گوید که قریش زندقه را از مردم حیره گرفتند.<sup>54</sup> در حالی که ابن قتیبه عده‌ای قریشی را مسئول رواج چنین کفری در آن ناحیه می‌داند.

به این ترتیب در حدود سال 694 میلادی، مانویت در چین نیز شکل گرفت و کتاب‌های مقدس مانویان حتی به زبان چینی ترجمه شد. تعداد زیادی از مردم چین به این آیین گرویدند. مانویت حتی در میان شاهزادگان چینی رواج یافت. بنا به گزارش ویدنگرن، بر طبق سندی که از کشف یک کتیبه‌ی سغدی به دست آمده، سرزمین سغد به پایگاهی برای تبلیغات مانوی تبدیل شده بود.<sup>55</sup> سغدی‌ها مردمانی تاجرپیشه بودند و به داد و ستد با چین بسیار توجه داشتند. سغدی‌ها از طریق راه ابریشم که از چین شروع می‌شد و به غرب می‌رفت، مراکز تجاری متعددی برپا کرده بودند. جای پای محکم مانوی‌ها در سغد، در شهرهایی مانند "سمرقند" و "تاشکند" برای بسط مانویت در شرق بسیار اهمیت داشت. به خصوص در سمرقند، مانویان تعداد بسیار و نفوذی فوق العاده داشتند. اما پس از این در سال 732 میلادی، با روی کار آمدن سلسله‌ی تانگ و پیش گرفتن سیاست بیگانه‌زدایی آنان، مانویت در این سرزمین از اعتبار افتاد.<sup>56</sup>

مانویت از قرن 11 تا 14 در داخل سرزمین چین اهمیت بالایی داشت. اما پس از شکست ایغوری‌ها در قرن 9 مانویت را از نعمت وجود یک پشتیبان باقدرت محروم ساخت. بدین ترتیب مانویت با وجود از دست دادن متحدان و پشتیبانان مختلف و مرگ موسس و پیامبر بزرگ آن - مانی - توانست حیات فکری - اجتماعی خود را در نقاط دور و نزدیک ادامه دهد و حتی تا مدت‌ها بعد به صورت یک آئین زیرزمینی پیروان خود را داشته باشد.

---

54 - احمد بن عمر بن رسته، الإعلاق النفسیه، ترجمه و تعلیق حسین قره‌چانلو، تهران: انتشارات امیرکبیر، 1365، صص 263-264.

55 - گنوید نگران، پیشین، صص 30-35.

56 - کوائچی هانرا، مذهب ایران در چین از خلال منابع چینی، مقاله مندرج در مجله‌ی بررسی‌های تاریخی، شماره 4، سال ششم، صص 36 و 35.

## «آیین مانی»

سرزمین بین النهرین همواره بستری برای نفوذ عقاید و باورهای دینی و فکری متفاوتی بوده است. اعتقاداتی که تأثیر بسیاری نیز بر سایر تحولات منطقه‌ای داشته‌اند. وجود انواع گروه‌های بابلی، سریانی، و بومی دیگر همراه با ورود اعتقادات و آئین‌های فکری خارج از این سرزمین، بین النهرین را به محلی برای تعاملی فکری در طی سالیان متمادی تبدیل کرده بود. حتی گسترش آیین‌های مسیحیت و یهود از آن سوی مرزهای روم، تأثیرات شگرفی بر اعتقادات مردم این سرزمین گذاشت. آیینی که بعدها "مانویت" نامیده شد، متأثر از چنین محیطی بود. حیات سیاسی، اعتقادی و اجتماعی مانویت با مفاهیم و عناصر فکری گوناگونی مرتبط است. این عناصر فکری ریشه‌های تاریخ و اعتقادی دیرینه‌ای در جامعه بشری دارند. لذا بررسی و فهم چگونگی ورود این عناصر فکری نیازمند یک رویکرد تاریخی - تطبیقی و شناخت نحله‌های اعتقادی ادیان و مذاهبی می‌باشد. از جمله این مفاهیم و اعتقادات، نظریات عرفانی، ثنویت فکری و اعتقادی و رسوخ آیین‌های نجات‌بخشی مشترک بسیاری از ادیان و جوامع است. مخصوصاً نفوذ آرایبی که معمولاً تحت عنوان "گنوسیه" شناخته شده و ویژگی‌های خاصی نیز دارند، در این آیین بیشتر به چشم می‌خورد.

## آیین گنوسی:

فلسفه آیین‌های گنوسی یا مذهب گنوس که در منابع اسلامی تحت عنوان "گنوسیه" آمده از منشأ واژه کهن یونانی گنوسیس (gnosis) از ریشه‌ی گنوس به مفهوم معرفت و شناخت گرفته شده است. این عنوان به مجموعه‌ای از ادیان و مذاهب و نحله‌های دینی که در قرون اول و دوم قبل از میلاد و نیز در قرون اول و دوم و سوم میلادی در فلسطین، سوریه، بین النهرین و مصر وجود داشته و به مناسبت این که در همه‌ی این فرق نوعی معرفت باطنی و روحانی و ماوراء طبیعی مایه‌ی نجات و رستگاری انسان شناخته شده است، همه‌ی آنها را

تحت عنوان عام گنوستیک‌ها ذکر کرده‌اند. آیین گنوسی به انواعی تقسیم می‌شود از جمله گنوس بی‌دین، گنوس یهودی و گنوس مسیحی.<sup>57</sup>

نخستین افکار گنوسی به صورت منسجم و مکتبی پس از ظهور مسیحیت بروز کرد و برای نخستین بار این افکار در بستر تاریخ و فرهنگ دنیای یونانی و رومی شکل گرفت. در واقع ظهور مکتب گنوسی نتیجه‌ی برخورد آزاداندیشان یونانی با متکلمین، صاحبان و بزرگان دین مسیح بوده است. از قرن دوم میلادی، نفوذ مسیحیت گنوسی در بخش ماورای اردن، سوریه تا قلب بین‌النهرین به وسیله‌ی فرقه‌های تعمیدی آغاز شد. گرایشان تعمیدی که در این مناطق به وجود آمد برخاسته از نفوذ چنین آیینی بود. تغسیل در آب رودخانه و تعمید با آن از جمله سنت‌های تعمیدی این گروه بود.

گنوسی‌ان همواره بر رهایی از شر و اعتقاد به تطهیر و بازخرید گناهان تأکید داشته‌اند. گنوسی‌مذهبان از بین رفتن شر را در زندگی انسان به رهایی و اعتلای نفس و روح، منوط ساخته‌اند. عقاید گنوسی با ظهور مارقیون (مرقیون) در قرن و سوم میلادی وارد مرحله‌ی جدیدی شد. او میان خدای موسی و خدای عیسی تفاوت قائل شد و این دو تن را خالق عالم محسوسات و عالم غیب شمرد، خدای موسی را خالق جهان محسوس و مادی و خدای عیسی را خالق جهان غیب و ناپیدا برشمرد. او عیسی را بدون داشتن جسم و صورت می‌انگاشت و عقیده داشت زهد و پارسایی انسان را از جهان محسوس و متعلق به خدای صانع رها می‌سازد. پس از مارقیون (مارکیون یا ماریون) نیز اغلب فرق گنوسی در این عقیده مشترک بودند که باید نفس را از شر نجات داد و آن را از آلودگی پاک کرد.

گنوسی‌ان افکار و عقاید خود را گاه با داستان‌ها و خرافات در هم می‌تنیدند و آن را در قالب قصه‌ها و تمثیل‌ها درمی‌آوردند و صورتی رمزی و نمایی از روند آفرینش و نجات را ترسیم می‌کرده‌اند.<sup>58</sup> سرزمین بین‌النهرین یکی از مراکز تفکر گنوسی بود. بین‌النهرین سرزمین پررمز و راز آیین‌ها و افکار گوناگون بود. عرفان سومری و اهمیت دین در نزد مردم بین‌النهرین و موضوع شناخت و اسطوره‌های کهن و نقش ریاضیات و اعداد و ارقام مقدس در ذهن مردم بین‌النهرین از ویژگی‌های مهم فکری ساکنان این منطقه بوده است.<sup>59</sup>

57 - فرانسوا دکره، مانی و سنت مانوی، ترجمه دکتر عباس باقری، چاپ اول، تهران: نشر فرزاد روز، 1380، ص 37

58 - امیل برهیه، تاریخ فلسفه، ترجمه و تلخیص یحیی مهدوی، چاپ اول، تهران: انتشارات خوارزمی، 1377، ص 49

59 - دو شن گیمن، پیشین، صص 365-370.

در میان سومریان بین النهرین، آفرینش به وسیله‌ی خدایان دوگانه‌ای که دو صورت اصلی و نقش‌آفرین در کارگاه هستی داشتند، شکل گرفته‌اند. اسطوره‌ی گیلگمش و تلاش او برای دستیابی به راز جاودانگی و بی‌مرگی نیز نوعی از گنوسی کهن است که ریشه در اسطوره و آیین‌های بین النهرین و بابلی دارد. در داستان سفر طولانی و پرمخاطره گیلگمش برای فرار از مرگ و دستیابی به عنصر جاودانه بودن و در واقع نجات و غلبه بر مرگ است.<sup>60</sup>

آیین «مندائی» در بین النهرین، نوع دیگری از آیین‌های گنوسی است که با عناصر و منشأهای ایرانی در باره ثنویت، تاریکی و نور، قلمرو نفوذ این سلاطین دوگانه، سرنوشت روح پس از مرگ، داوری درباره‌ی آن و کوشش‌های نور پیوند دارد.<sup>61</sup> مندائیان، حرانیان و صابئین که به عنوان آیین‌های گنوسی معروفند، در بین النهرین حران، خوزستان و جنوب غربی ایران، افکار خود را ترویج و گسترش داده بودند.

مندائیان عالم را به دو منشاء روشنایی و تاریکی تقسیم می‌کردند که دائم با یکدیگر در نزاع بودند. عالم نور و عالم تاریکی هر کدام دارای سلسله مراتب خاص خود بوده‌اند. عقاید صابئین را در این باره التقاطی از عقاید ثنوی زردشتی، برهنمی، یهود و نصاری و آراء فلاسفه و عقاید هرمسی دانسته‌اند و در سنت و شعائر آنها آثار فراوانی از عقاید و ادیان مختلف حضور داشته است.<sup>62</sup>

آیین‌های گنوسی دیگر در بین النهرین رواج داشته است. در واقع بین النهرین مرکز تلاقی اندیشه‌های گنوسی شرقی و غربی بوده. از جمله این آیین‌ها، آیین گنوسی باردیسان بوده است. در آیین باردیسان روشنایی و تاریکی حس‌های متضادی تلقی شده‌اند، این آیین تحت تأثیر آیین زروانی ایرانی است و بخش‌هایی از آیین مندائیان متأثر از منابع اسطوره‌ی زروان است و در آن گروه از عناصر کاملاً متضاد از یکدیگر بازشناخته می‌شوند.<sup>63</sup>

باردیسان (وفات 224 میلادی) آموزه‌های گنوسی را ساده کرد و آنها را با آیین کلیسا سازگار ساخت. اما وی وجود بدی و شر را پیامد آزادی، اراده و اختیار می‌دانست که خداوند به انسان و فرشتگان داده است. این

60 - پیر گرمال، اسطوره‌های خاور میانه، ترجمه مجتبی عبدالله نژاد، چاپ اول، مشهد: انتشارات آستان رضوی، 1376، ص 29.

61 - دوشن گیمن، پیشین، ص 331.

62 - رشدی علیان، الصابئین، حرانین و مندائین: بغداد: مطبعه‌ی دارالسلام، 1976، صص 88-84.

63 - آ.رسی. زرن، زروان (معماری زردشتی‌گری)، ترجمه تیمور قادری، چاپ دوم، تهران: نشر فکر روز، 1375، صص 125-124.

موضوع مباحث جدلی بسیار برانگیخت. مانی نیز که در همین زمان و در اواخر حیات باردیصان متولد شده بود، تحت تأثیر افکار گنوسی او قرار گرفت.

در "میترائیسم" نیز اصل بدی و تاریکی به دنبال گسترش در جهان و جامعه بشری است. ولی میترا شرارت را به رهایی تبدیل کرده و خود را عامل نجات‌دهنده و رهایی‌بخش خوانده او با نجات‌بخشی خود، فرستادگان اهریمن و شیاطین را شکست می‌دهد. میترا نماد وفاداری، رستگاری و نجات تلقی شده است. و به عنوان آیین رهایی‌بخش در سراسر ایران و آسیای صغیر و روم تا ایتالیا گسترش یافت.<sup>64</sup>

بدین ترتیب آیین گنوسی که در ابتدا در یونان باستان گسترش یافت. از طریق کلام مسیحی در اسکندریه و سپس از طریق فرق کلامی مسیحی به سوریه، حران و بین‌النهرین انتقال یافت و بر ظهور فرق گنوسی و کلام مسیحیت تأثیر عمیقی در میان افکار و ادیان مردم بین‌النهرین بر جای نهاد. فرقه‌های گنوسی مانند پیروان "باردیصان" که معروف به "دیصانیه" شدند،<sup>65</sup> و مرقیون که معروف به "مرقیونیه" هستند<sup>66</sup>، تحت تأثیر این روند بودند. این فرق از جمله فرقه‌های گنوسی هستند که بسیاری از آموزه‌های مانوی از آنها اقتباس شد.<sup>67</sup> مانی خود در سرزمین بین‌النهرین پرورش یافته بود و بسیاری از آموزه‌های گنوسی را از گنوسیان مسیحی بین‌النهرین سوریه و مصر اقتباس کرده و آن‌گاه به عناصر عرفانی و گنوسی ادیان زرتشتی، بودایی و هندویی به هم آمیخته است.<sup>68</sup>

در واقع آنچه که مانویت نامیده می‌شود، مخلوطی آگاهانه از مسیحیت و اعتقادات ایرانی است که بر مبنای پاره‌ای از عقاید قدیمی ساکنان بین‌النهرین تحول یافته است. مسیحیت و اعتقادات ایرانی با معتقدات مذهبی و فکری ساکنان بین‌النهرین آمیخته شده بود. به همین جهت مانویت سعی در نزدیک کردن آنها به همدیگر داشت تا برای مردم سرزمین بابل و بین‌النهرین که با فلسفه گنوسی پرورش پیدا کرده بودند، قابل قبول باشد. آیین مانی ترکیبی از عقاید گنوسیان مسیحی و یونانی در باره نجات و افکار ایرانی، هندو، بودایی سومری و بابلی در

64 - مارتین ویرمازن، میترائیسم؛ ترجمه بزرگ نادرزاده، چاپ اول، تهران: نشر چشمه، 1380، صص 83-84 و 63.

65 - شهرستانی، الملل والنحل، ترجمه محمد بن فتح الله بدران، طبعه الثانیه، قاهره: مطبعه الانجولومصریه، بی تا، ص 225.

66 - همان، ص 226.

67 - ابوالقاسم اسماعیل پور، اسطوره آفرینش در آیین مانی، چاپ اول، تهران: نشر فکر روز، 1375، صص 31-13.

68 - همان، ص 26.

باب رهایی بوده است. مانی که در سال‌های اوج مباحث بحث‌برانگیز گنوسی می‌زیست، آیینی شدیداً گنوسی را به وجود آورد که از شرق ایران تا سراسر امپراتوری روم را در نوردید.

بنیان کیش مانوی بر پایه پذیرش وجود دو اصل نیک و بد در جهان قرار دارد. دو اصلی که کاملاً با یکدیگر در تقابلند: یکی منشأ همه نیکی‌ها و روشنایی و دیگری موجد تاریکی‌ها و پلیدی‌هاست و جهان حاصل مبارزه آیین دو علیه یکدیگر است. مانی در باب آغاز آفرینش عقیده دارد که در آغاز تنها پدربزرگی در قلمرو نور می‌زیست و پادشاه تاریکی یا اهریمن بر قلمرو تاریکی احاطه داشت. زمانی اهریمن به همراه تنی چند از شیاطین به جهان روشنایی حمله برده و پاره‌های نورا می‌بلعد. "پدربزرگی" برای رهایی آنان با خروشی "مادر زندگی" را می‌آفریند. این جریان سرآغاز آفرینش می‌شود. پس از آن ایزدان دیگری در سه مرحله، هستی می‌یابند. در مرحله نخست، "هرمز دبغ" یا انسان نخستین از فریاد مادر زندگی به وجود می‌آید. در مرحله دوم "دوست روشن" و در مرحله سوم "نریسف یزد" و دوشیزه روشنایی خلق می‌شوند. به گمان مانی جهان با یک آتش‌سوزی عظیم به پایان می‌رسد. در این دوره روان‌های پالوده شده به شکل نور رها می‌شوند و به بهشت نو می‌روند و روان‌ها آلوده به همراه شیاطین، ماده و تاریکی به توده‌های بی‌شکل تقسیم می‌شوند و در قعر گودالی محبوس می‌گردند که بر فراز آن سنگی به عظمت جهان قرار دارد. بدین ترتیب جهان‌شناسی مانی شکل می‌گیرد.

مانی گوید: در تمامی قرون، اهریمن و دیوان به وسیله شهوت و رغبت به زنان و ادیان دروغ، خود را به بشر نزدیک کردند مانند دین موسی و...<sup>69</sup> مانی دین یهود را یکی از ادیان بی‌اساس می‌شمرد. ابوریحان نقل می‌کند: که مانی خود را پیغمبری راست گو می‌شمارد که برای تصفیه جهان مادی و تجزیه نور از ظلمت و تزکیه ابدان و ارواح از شهوات آمده و با حقایق و دستورهای مفید خود، بشر را به راه راست راهنمایی می‌کند. بودا و زرتشت و عیسی و مانی از این پیامبرانند. اما مانی خاتم الانبیاء و برتر از همه بوده و دین او کامل‌تر و بالاتر از همه ادیان می‌باشد.<sup>70</sup> وی خود را همان فارقلیط - که عیسی ظهور او را مژده داده می‌دانست.<sup>71</sup> مانی خود می‌گفت:

69 - ابن ندیم، پیشین، ص 473.

70 - ابوریحان بیرونی، پیشین، ص 309.

71 - ابن ندیم، پیشین، ص 484.

«ادیان سابق فقط در یک ناحیه و یک زبان وجود داشتند ولی دین من چنان است که در همه نواحی و

همه زبان‌ها انتشار یافته و در ممالک دور تعلیم می‌شود.»<sup>72</sup>

دین مانی مانند دیگر طریقه‌های گنوستیک از احساس نومیدی که در نهاد بشر قرار دارد به وجود آمده. حالی که انسان در آن دست و پا می‌زند برای وی تحمل ناپذیر به نظر می‌آید. از اینجاست که ضرورت نجات مشخص می‌شود. این که شخص خود بفهمد خدا که خیر و حقیقت است، نمی‌تواند این دنیای رنج و سختی را برای انسان بخواهد. پس باید بفهمد که چگونه و برای چه آمده و روح اصلی وی چگونه باید به عالم بالا و برتر خویش باز گردد و سعادت و خیر مطلق را درک کند.

براساس عقاید مانوی روح نجات‌بخش و جوهر فهم آدمی، قسمت عالی انسانی است و عمل و معرفت از آن ناشی می‌شود. این اصل روح و جوهر عقل انسان متوالیاً به تناسخ در انبیای مختلف و رُسل یا روح القدس ظاهر شده و این همان خداست در جنبه عرفان‌بخش و فعال خویش. شهرستانی دین مانوی را دینی میانه نصران و مجوس می‌داند و می‌گوید:

«و به نبوت مسیح - علی نبینا وآله وعلیه السلام - قائل بود و به پیغمبری موسی (ع) قائل نمی‌شد.»<sup>73</sup>

دین مانی بر مجموعه‌ای از دست‌نوشته‌ها استوار شد. زیرا که به عقیده مانویان انحطاط و ضعف تدریجی ادیان گذشته ناشی از آن بود که پیغمبران و مؤسسین آنها آموزه‌ها و احکام دین خویش را ننوشته بودند و اختلافاتی که بعدها از بودا و زرتشت و عیسی در میان پیروانشان به وجود آمد به آن دلیل بود که تعلیمات آن را در زمان حیاتشان تدیون نشده بود و نوشته‌های ناقصی که متأخران نوشته‌اند دستخوش تحریف شدند. به این ترتیب مانی راه انحراف و تحریف در اعتقادات و تعالیم خود را بر آیندگان بست و آئین خود را به دست خویشتن نگاشت و آنها را در زمان حیات خود تدوین نمود. وی در آثار خود آرائش را با اصطلاحات هر ملت و قومی بیان می‌کرد و به اعتقاداتش رنگ همان قوم را می‌بخشید. اسناد مانوی به صراحت در باره برتری این آیین سخن می‌گویند. مانی خود نیز چنین عقیده‌ای داشت.<sup>74</sup> بدین گونه مانی علاوه بر مجموعه رسالات (مراسلات) خود کتاب‌هایی نوشت:

72 - ابوریحان بیرونی، پیشین، صص 310 و 309.

73 - امام الشهرستانی، کتاب الملل والنحل، پیشین، ص 224. (ترجمه مصطفی خالقداد هاشمی، جلد اول، تهران: انتشارات اقبال، 1361، ث 413.

74 - کفایا، به نقل از حسن تقی‌زاده، مانی‌شناسی: به کوشش ایرج افشار، چاپ اول، تهران: انتشارات توس، 1383، ص 110.

کتاب سفر الأسفار که محتوی بر ابوابی است: باب ذکر الیصانیین، باب شهادة عیسی علی نفسه فی یهودا، باب شهادة آدم علی عیسی، باب الساقط من الدین... و چند کتاب دیگر.

کتاب سفر الجبارة

کتاب شاپورگان

کتاب سفر الاحیاء

کتاب فرائض السماعین

کتاب فرقاطیا 75

همچنین ابوریحان از آلبومی از تصاویر نام می برد که در پارتنی "اردهنگ" یا "ارژنگ" نام داشت و به علاوه کتاب انجیلی که برخی از مورخین اسلامی نام آن را ذکر کرده اند. ابوریحان گوید:

«پروان مانی هم انجیلی دارند که از آغاز تا انجام برخلاف انجیلی است که در نزد نصاری است.»<sup>76</sup>

پروان مانی:

به طور کلی پروان مانی به دو گروه صدیقون و سماعون تقسیم می شوند. صدیقون به ترک شهوات و خوردن گوشت حیوانات و خوردن شراب و نکاح زنان امر شده بودند و باید از بت پرستی، جادوگری، سحر، حرص و آز و دروغ اجتناب می کردند.

سماعون کسانی بودند که توده مردم را تشکیل می دادند. اینان می بایست به امر صدیقان عمل کرده، آنها را دوست بدارند و به تعالیم مانی رفتار کنند. نماز بگذارند و عبادات و اورادی که بر ایشان مقرر شده است؛ بجا آورند. روزه بدارند و از تعدد زوجات خودداری کنند. صدیقان وظایف سخت تری نسبت به سماعون داشتند. نمازها و روزه هایشان بیشتر و طولانی تر بود. سی روز روزه می گرفتند و در غروب افطار می کردند.<sup>77</sup> به روایت ابن ندیم،

75 - ابوریحان بیرونی، پیشین، صص 310-309؛ ابن ندیم، پیشین، ص 484.

76 - ابوریحان بیرونی، همان.

77 - ابن ندیم، پیشین، ص 479.



«هنگامی که آفتاب به برج قوس درآید و ماه یکپارچه نور می‌شود باید دو روز روزه بگیرند بدون آن که میان آن افطار کنند و هنگامی که ماه نو دیده می‌شود، دو روز روزه بگیرند و باز در میان آن افطار نکنند.»<sup>78</sup>

صدیقان تنها می‌بایست در شبانه روز یک وعده غذا و در سال یک دست لباس داشته باشند. پس از یک ماه روزه، عید "بما" برگزار می‌شد. مانویان شب عید را با احیاء گذرانده و در اطراف تخت مانی که پنج پله داشت و روی آن تصویر بزرگی از مانی بود، حلقه می‌زدند و بر گناهان یک‌ساله خود اعتراف می‌کردند. به عقیده آنان نیمه شب مانی نزول کرده و روی تخت می‌نشست و گناهان مؤمنین اعتراف‌کننده را می‌بخشید.<sup>79</sup> زبور مانی بما را روز شادی شمرده و می‌گوید: «روز بما پر از شکوفه است»<sup>80</sup> و در جایی از صعود فارقلیط به بالا در روز بما سخن می‌گوید که مانند صعود مسیح بوده.<sup>81</sup>

مانویان به موسیقی علاقه داشتند. تصویر و خط نیز در میان آن ها ارزش زیادی داشت، کتاب‌هایی که به دست آنان نگاشته می‌شد. با خط زیبا و نفیس ترتیب می‌یافت. جاحظ در کتاب خویش شرحی در این باب ذکر می‌کند.<sup>82</sup> شعائر مانویان ساده و از تشریفات و ظاهرسازی‌های معمول دور بود و بر خلاف سایر مذاهب از اعمال سری و غیبی و ساز و برگ‌های دست و پاگیر دوری می‌کرد. در زمانی که روحانیون زردشتی با آداب و رسوم‌های سخت و پرمشقت عرصه را بر مردم تنگ کرده بودند، آئین مانی با زیبایی‌های خاص خود به جذب یاران و پیروان خود می‌پرداخت. به طور کلی دین مانی در هر منطقه و فرهنگی اصطلاحات و رنگ و بوی همان فرهنگ را گرفته و استعمال می‌کرد. همراه کردن احکام و کتاب‌های مانوی با موسیقی، شعر و خط زیبا بر پیروان این دین افزود و انعطاف‌پذیری این آیین، نفوذ آن را در شرق و غرب گسترش داد.

78 - همان، صص 479-480.

79 - حسن تقی‌زاده، پیشین، ص 326.

80 - سی. آر. سی. آلبری، پیشین، ص 53.

81 - همان، صص 77 و 101.

82 - عمرو بن بحر جاحظ، البیان والتبیین، تصحیح و شرح عبدالسلام هارون، طبع مصر، 1359 هـ، ج 4، صص 459-460.